



ذاکر صالحی، غلامرضا و نظریان، زهرا. (۱۳۹۳). جایگاه فرهنگ دانشگاهی و الزامات نهادی علم در زندگی دانشجویی. فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱(۳)، ۳۳-۶۹.

جایگاه فرهنگ دانشگاهی و الزامات نهادی علم در زندگی دانشجویی

غلامرضا ذاکر صالحی^۱ و زهرا نظریان^۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۲۸

چکیده

پردیس‌های دانشگاهی علاوه بر کارکردهای آموزشی و پژوهشی می‌توانند مکانی برای جامعه‌پذیری علمی و انتقال هنجارهای علم و بالندگی فرهنگی دانشجویان محسوب شوند. آنچه که مرتون الزامات نهادی علم می‌نامد. زندگی دانشجویی در ایران به دلیل ضعف شکل‌گیری اجتماع علمی و نقص در تکامل دانشگاه همیشه بحث برانگیز بوده است. هدف مقاله حاضر تبیین ویژگی‌های زندگی دانشجویی در ایران از زبان خود دانشجویان، و به عبارت دقیق‌تر پاسخگویی به این سوال اساسی است که دانشجویان چه دیدگاهی نسبت به محیط پردیس و تمایزات و الزامات نهادی آن دارند؟ در این مطالعه استفاده شده است. بدین منظور تعداد ۶۰ پرسشنامه باز تکمیل شده «تحلیل محتوا» اکتشافی از روش توسط دانشجویان استخراج و کدگذاری و تحلیل شده است. یافته‌ها نشان داد مضامین ذکر شده توسط دانشجویان، معرف عدم کنشگری آنان در عرصه تولید و مصرف علم، عدم تمایز جدی پردیس با سایر محیط‌های جوانان، ضعف سنت‌ها، اسطوره‌ها، ارزش‌ها، عادات، آیین‌ها و دستاوردهای آکادمیک در زندگی دانشجویی می‌باشد. همچنین بیانگر ضعف شکل‌گیری اجتماع علمی و هنجارهای آن و نیز دغدغه‌های دانشجویان عمدتاً فردی و تماشاگرانه و منفعل و غیر ایدئولوژیک است.

واژه‌های کلیدی: الزامات نهادی علم؛ اجتماع علمی؛ زندگی دانشجویی؛ فرهنگ دانشگاهی؛ نهاد دانشگاه؛ تحلیل محتوا

^۱ - دانشیار موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی (نویسنده مسئول)، rsalehi514@gmail.com

^۲ - کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی و مدرس گروه مهندسی صنایع دانشگاه پیام نور، z.nazarian184@gmail.com

مقدمه (بیان مساله)

یونیورسایته با آموزشکده تفاوت بنیادین دارد. مظاهر عمده این تفاوت، مناسک و هنجارهای علمی و فرهنگی خاصی است که دانشگاه حامل و توسعه دهنده آنهاست. در آموزشکده، دانشجویان در کلاسهای درس صرفاً یکسری معلومات و مهارتها و روشها را فرا می‌گیرند اما در یونیورسایته که نامش از واژه UNIVERSE (جهان یا سپهر عالم) الهام گرفته شده است؛ با یک فضای ارتباطی وسیع و غنی مواجه‌ایم. مرکزی برای زندگی علمی در فضایی مملو از هنجارها و عادات و آداب و رسوم که متناسب با یک اجتماع فرهیختگی است. همراه با کوشش برای کشف حقیقت و سیراب شدن عطش دانستن و موقعیت‌هایی برای تعامل و فهم بیشتر و گفتگو و مباحثه علمی. زیست دانشجویی معمولاً با پرسش و پژوهش و سلوک آکادمیک همزاد است.

امروزه توسعه کمی و بی رویه آموزش عالی ایران، در فقدان نظام‌های استاندارد سخت گیرانه، مخاطرات بسیاری را در فضای دانشگاهی ایجاد کرده و مؤلفه‌های حیات دانشجویی را با ضعف مواجه کرده است. البته این تنها می‌تواند یکی از زمینه‌های بروز مساله باشد. به طور معمول انتظار می‌رود تنفس در فضاهای دانشگاهی به غنای سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی دانشجویان بیانجامد. اما پژوهش‌های پیشین که در ادامه می‌آید نشان می‌دهد معمولاً چنین اتفاقی در ایران نمی‌افتد.

پردیس^۱ تنها محلی برای سکونت نیست؛ بلکه فضایی برای پاسخگویی به نیازهای متنوع آموزشی، علمی، پژوهشی، فرهنگی، روانی و تعاملی دانشجویان و شکل دهنده شخصیت اجتماعی و علمی آنان در آینده است. خوابگاه نیز نباید محل اقامت و استراحت تلقی شود بلکه جای زندگی با همه اقتضائات آن و مدل کوچکی از یک جامعه مدرن با مجموعه‌های هنجاری متناسب با آن است. در غیاب اجتماع علمی پویا و بالنده و تعاملات موثر علمی بین استاد - دانشجو و دانشجو - دانشجو پردیس نیز معنای ارزشی و هنجاری خود را از دست داده است. روح پردیس، فرهنگ دانشگاهی است. احتمالاً به نظر می‌رسد در دانشگاه توده‌ای شده ایرانی، فرهنگ دانشگاهی غیرنهادینه و بحث برانگیز است. مطالعات پیشین این علائم را به روشنی نشان می‌دهند. در این شرایط، دغدغه‌های اصلی دانشجویان بر مسائلی غیرآکادمیک و بیگانه با ارزش‌ها و هنجارهای دانشگاهی تمرکز دارد. اکنون پرسش اصلی مطالعه حاضر این است که دانشجویان چه دیدگاهی نسبت به محیط پردیس و تمایزات آن دارند؟ این بار تلاش داریم

^۱. Campus

^۲. Mass University

دریک فرآیند اکتشافی مختصات زندگی دانشجویی را از خود دانشجویان پرسش کنیم و درک بلاواسطه این کنشگران میدان علم را مقوله بندی و بازشناسی و تحلیل نمائیم.

مروری بر ادبیات موضوع

بحث بر سر علم و دانشگاه در واقع، بحث بر سر نوع خاصی از نگرش‌ها و سلسله ارزش‌های اجتماعی، سبک زندگی، الگوهای خاصی از حل مسأله، نوع متفاوتی از قضاوت کردن، تعامل با دیگران، اداره زندگی اجتماعی، شیوه مدیریت و رهبری است. علم و دانشگاه، فرهنگ خاص خود را دارند (موحد و عطاران، ۱۳۸۹).

کلارک در آثار خود قصد دارد تا اهمیت و جایگاه پیکره‌هنجاری را در ساختار رسمی دانشگاه به منصفی ظهور رساند تا شاید توجه به باورهای بنیادین جای خود را در کنار توجه به ساختارهای غیر بنیادین پیدا نماید. او مدعی است که یکی از راه‌های بنیادین برای فعال نمودن و مدیریت اثربخش "پیکره‌هنجاری" یا همان بعد فرهنگی در سازمان دانشگاه، توجه به مفهومی تحت عنوان "حماسه یا افسانه سازمانی" است (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲۲). رابرت مرتون چهار هنجار را ذکر و آنها را الزامات نهادی علم می‌نامد: عام‌گرایی، اشتراک‌گرایی، بیطرفی عاطفی و شک سازمان یافته (مرتون، ۱۹۷۳: ۸).

کلارک چهار عامل رشته‌دانشگاهی، دانشگاه، کل سیستم آموزش عالی و حرفه آکادمیک یا جامعه علمی را از عناصر موثر بر فرهنگ دانشگاهی برشمرده و ابعاد و مولفه‌های هر کدام از این عوامل چهارگانه را باز می‌کند.

تیرنی عوامل شش‌گانه محیط، رسالت، جامعه‌پذیری، راهبرد، اطلاعات و رهبری را جزء عناصر عملیاتی فرهنگ دانشگاه به شمار آورده است (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲۷). دیدگاه‌های تضادگرایان که مدرسه و دانشگاه را مکانی برای بازتولید طبقات و سلسله مراتب بیرون می‌دانند قابل اعتناست. در چنین فرضی شکل‌گیری فرهنگ و هنجارهای علمی نیز روبنا و در خدمت همان بازتولید خواهد بود.

بورديو با مطالعه سه‌گونه از مدارس عالی فرانسه نتیجه می‌گیرد که سیستم بازتولید قدرت در این مدارس عالی صورت می‌گیرد. در واقع بورديو معتقد است که در جامعه، طبقات مختلف اقتصادی و فرهنگی وجود دارند که مدرسه این طبقات را بازتولید می‌کند. یعنی ساختار جامعه هیچ تغییری نمی‌کند حتی اگر فرزندان طبقه محروم نیز بتوانند به تحصیل بپردازند. طبقه حاکم همچنان به حکومت ادامه می‌دهد و طبقه محروم همچنان محروم خواهد بود. (فکوهی، ۱۳۹۲). براساس آموزه‌های بورديو باید به جای دانشگاه از میدان علم سخن

بگوئیم. میدان موجودیتی غیریکپارچه است که در آن مدل‌های کوچک متمایزی از قاعده‌ها، مقررات و اشکال قدرت وجود دارد. میدان، فضای روابط میان کنشگران است. میدان را می‌توان با توجه به منطق، بازیها و راهبردهایی که در میدان اعمال می‌شود درک کرد. آنچه که به میدان معنا می‌دهد سرمایه است (سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی). تحصیلات نمودی از سرمایه فرهنگی است (شارع‌پور و فاضلی، ۱۳۸۶: ۳۰). براین اساس باید به جای دانشگاه از میدان علم سخن بگوئیم و طبق آموزه‌های بورديو ضعف فرهنگ آکادمیک را به رنجوری سرمایه اولیه فرد و سپس ترکیب این سرمایه‌ها در میدان علم منتسب کنیم.

سامویل بولز^۱ و هربرت گین تیس^۲ جامعه‌شناسان رادیکال آمریکایی، برآنند که مدارس در جهت منافع نظام سرمایه‌داری عمل می‌کنند. آنها بر اساس تحقیقاتی که درباره نابرابری‌های آموزشی انجام گرفته، استدلال می‌کنند که آموزش و پرورش، عامل قدرتمند و موثری در جهت ایجاد برابری‌های اجتماعی و اقتصادی نبوده است. به نظر آنها، آموزش و پرورش نوین را باید به عنوان پاسخی به نیازهای اقتصادی سرمایه‌داری صنعتی تلقی کرد. مدارس به تامین مهارت‌های اجتماعی و فنی مورد نیاز کسب و کار صنعتی مدد می‌رسانند؛ آنها ضمن تربیت نیروی کار، احترام به اقتدار و پذیرش انضباط را القا می‌کنند. روابط اقتدار و نظارت و کنترل در مدرسه، سلسله‌مراتبی دارد و با تاکید بر اطاعت استوار است. این وضع، دقیقاً با شرایط محیط کار مطابقت دارد. پاداش‌ها و تنبیهات مرسوم در مدرسه نیز، تکرار همان مواردی است که در قلمرو کار رواج دارند. مدارس، بعضی را به پیشرفت و موفقیت ترغیب می‌کنند؛ در حالی که بعضی دیگر را دلسرد و مایوس ساخته به مشاغل کم درآمد راهی می‌سازند.

به زعم بولز و گین تیس، مدارس نوین، احساس بی‌قدرتی را که بسیاری از افراد در جاهای دیگر تجربه می‌کنند، برای آنان تجدید یا باز آفرینی می‌کند. آرمان‌های پرورش و رشد شخصی که هدف اصلی آموزش و پرورش است، فقط هنگامی قابل حصول است که مردم بتوانند شرایط زندگی خودشان را کنترل کرده، استعداد‌های خود را پرورش دهند و توانایی ابراز وجود پیدا کنند.

در اوایل دهه ۱۹۷۰، ایوان ایلچ^۳ با طرح اندیشه‌های انتقادی و انقلابی خود درباره آموزش و پرورش، شهره آفاق شد و در مجامع تربیتی و دانشگاهی جنجال برانگیخت. لبه تیز انتقادات ایلچ، متوجه توسعه اقتصادی نوین است که به زعم او، طی فراگرد آن، مردمانی که در گذشته خودکفا، و از مهارت‌های سنتی برخوردار بودند؛ مجبور می‌شوند که به

^۱. Samuel Bowles

^۲. Herbert Gintis

^۳. Ivan Illich

تدریج برای حفظ سلامت خود به پزشکان، برای آموزش و پرورش به مدرسه و معلمان، برای تفریح و سرگرمی به تلویزیون، و برای گذراندن زندگی به کارفرمایان، متکی شوند. او نیز مثل بولز و گین تیس، گسترش آموزش و پرورش مدرسه‌ای را با نیازهای توسعه اقتصادی به انضباط و سلسله مراتب اجتماعی، مرتبط تلقی می‌کند.

ایلیچ معتقد است که مدرسه برای ایفای وظایف اصلی، توسعه پیدا کرده است که عبارتند از: مواظبت اجباری، توزیع مردم به نقش‌های شغلی، یادگیری ارزش‌های مسلط، و کسب دانش و مهارت‌های مورد پسند اجتماعی. به نظر او مدرسه یک سازمان اجباری یا بازداشتگاهی است؛ زیرا حضور در آن اجباری است و کودکان، در سالهای بین طفولیت و ورود به بازار کار، به دور از کوچه و خیابان در آنجا نگهداری می‌شوند (ایلیچ، ۱۳۸۷).

بطور کلی ایلیچ معتقد است که مدرسه یکی از چند نهادی است که آزادی‌های فردی را محدود می‌سازند. از این رو، معتقد به آزادسازی آموزش و پرورش از قید مدرسه است. به نظر وی توهم عمده‌ای که نظام آموزشی بر پایه آن استوار گردیده است این است که بخش اعظم یادگیری نتیجه تدریس است؛ اما اغلب مردم بخش اعظم یادگیری خود را بیرون از مدرسه کسب می‌کنند.

مبنا قراردادن دیدگاه تضادگرایان موجب کاهش اهمیت شکل‌گیری اجتماع علمی و هنجارهای درونی آن بدلیل نقش غیرذاتی و تبعی آن می‌شود. اگر این ایده درست باشد، ارزش‌های دانشگاهی در ایران و سایر جوامع، متعالی و جذاب و عامل تحرک اجتماعی نسل جوان نخواهد بود. مطابق این دیدگاه قرار نیست مدرسه و دانشگاه تغییرات عمیقی در سرنوشت فرد ایجاد کنند. رنجوری فرهنگ دانشگاهی در ایران تا حدودی با آموزه‌های تضادگراها قابل توضیح بوده و حداقل می‌توان از این زاویه هم به آن نگریست.

جان ویات (۲۰۰۰) در تبارشناسی خود اجتماعات دانشجویی را در چند گونه بازشناسی کرده است. تبارشناسی او محصول بررسی ادبیات و رمان‌هایی است که داستان آنها در دانشگاه به وقوع می‌پیوندد. گونه‌های چهارگانه او بدین قرارند:

۱. دانشگاه به مثابه اجتماع ایده آل

وی می‌نویسد فیلسوفان آلمانی؛ مانند: فیخته، هومبولت و شلینگ نقشی بسیار متعالی را برای دانشگاه در ذهن مردم ایجاد کردند. اما به تدریج بویژه در انگلستان با به هم ریختن نظم سنتی توسط جوانان، این نقش و تصور در عمل به حاشیه رفت. نمونه‌ای که او مثال می‌زند در رمان «ماجراهای هیوترور» چاپ (۱۷۹۴) است که جوانی وارد آکسفورد می‌شود و توقع دارد اجتماعی منظم را ببیند که روح جهانی نیک اندیش بر آنان حاکم است. هیو با تجربیات بعدی-

اش متوجه می‌شود که دانشجویان این دانشگاه عمدتاً ناپخته، شکمباره و بی بند و بار هستند و استادان نیز بهتر از آنان نیستند. از دید طبقه متوسط نوظهور، آکسفورد و کمبریج به بی‌نظمی و توجه آسان‌گیرانه مردان جوان شهرت داشت که سرانجام در نیمه قرن، گزارش‌های کمیسیون سلطنتی در سال ۱۸۵۲ آن را تأیید کرد. با این حال دانشگاه انگلیس در تب و تاب آرمانگرایی باقی ماند. به گونه‌ای که حتی نیومن (۱۸۹۵) در کتاب «ایده یک دانشگاه» از آن به زیارتگاه یاد می‌کند (ویات، ۱۳۸۶: ۹). تصور دانشگاه به عنوان یک مکان متمایز، طرز تفکر مسلط انگلیسی در باره دانشگاه و نقش اوست.

۲. دانشجویان به مثابه یک قشر اجتماعی

مفهوم طبقه^۱ یا قشر اجتماعی در قرن نوزدهم برای دانشجویان در نظر گرفته شد. نمونه‌ای که ویات ذکر می‌کند کتاب خودپسندان^۲ اثر تاگری در سال ۱۸۴۸ است که با دقت، تمایز طبقاتی، رفتاری و پوششی را در آکسبریج (مخفف آکسفورد و کمبریج) مورد مطالعه قرار داده است. به نظر وی تعداد کم دانشجویان که عمدتاً از طبقه اشراف بودند این رویکرد را موجه می‌نمود. با این وجود دانشگاه برج عاج نیست. برای مثال هاردی می‌نویسد: «... تحمل این را ندارم که دانشگاه را نوعی ماشین یادگیری بدانم که در آن مجبورم سه سال برای کسب درجه معینی که می‌خواهم به سختی درس بخوانم ... استاندارد پایین در اینجا طی ده سال ممکن است نیمی از مردم را به انحطاط بکشاند.»

۳. اجتماع قهرمانی^۳

انجمن قهرمانی و ایده زندگی دانشجویی همچون بیشتر ایده‌های رماتیک در باب دانشگاه، در ریشه‌های آلمانی آن که در نهادهای انگلیسی تغییر شکل یافته قابل ردیابی هستند. بدین ترتیب فرهنگ دانشجویی یکی از قهرمان پروری‌های نیرومندی شد که با هدف اخلاقی قدرتمندی یعنی مردانگی و میهن پرستی همراه بود.

۴. رانده شده‌ها^۴

نویسنده تبار چهارم را به رانده شده‌های از محیط دانشگاه اختصاص می‌دهد. این گروه شامل افراد خود آموخته و زنان ثروتمند خارج از دانشگاه اند که به هر طریق دنبال کسب آموزش هستند و آرزوی آنها تحصیلات عالی است. آنها نیز بالاخره با سختکوشی به مدارجی راه می‌یابند.

1. Class

2. Book of snoks

3. Muscular Community

4. The excluded

ویات در پایان چنین جمع‌بندی می‌کند «نباید به محیط دانشگاه به عنوان مدرسه پایانی^۱ نگاه کنیم». به نظر وی رویکرد رمانتیک قرن ۱۹ همراه با قهرمان پروری شاید پس رانده شده باشد، اما محبوبیت مداوم این عقیده درباره دانشگاه به مثابه تفرجگاهی برای رشد شخصیت جوانان یا عرصه‌ای برای "نوجوانی دیررس" از بین نرفته است (ویات، ۱۳۸۶: ۲۷).

کوگان دانشگاه سنتی را جمهوری علم^۲ می‌نامد. اما وی در مورد دانشگاه، استفاده از واژه اجتماع Community را به دو دلیل نمی‌پسندد: اول اینکه کلمه‌ای صمیمی و پرشور است که معنای ارتباطات حسنه را افاده می‌کند در حالی که ممکن است چنین ارتباطاتی وجود نداشته باشد. دوم اینکه نیاز به تحلیل تنگاتنگ نقش‌ها در داخل و خارج چارچوب آموزش را پیچیده می‌کند (کوگان، ۱۳۸۶: ۳۲). به نظر کوگان مناصب اعطا شده و تصمیمات اتخاذی نخبگان دانشگاهی، دسترسی به قدرت و منابعی را میسر می‌کند که از سوی نخبگان برگزیده توزیع شده است. پس اگر ما آنان را با رهبران نهادی با هم در نظر بگیریم خودشان گروه ناهماهنگی هستند. بنابراین مفهوم «اجتماع دانشگاهی همگن» توهم آمیز است (ویات، ۱۳۸۶: ۳۹).

از نظر برخی محققان، دانشگاه محلی برای نزدیک شدن به فرهنگ‌های نامتجانس و مبنایی برای ایجاد یک فرهنگ نو است. دانشجویان دوره کارشناسی به عنوان بخشی از موضوع فرهنگ دانشگاه می‌توانند خرد، تخیل و خلاقیت خود را به خوبی پرورش دهند و فرهنگ دانشگاه را پر بار کنند؛ چراکه آنها از ذهنی هوشیار، تفکری پویا، و اشتیاقی برای جستجوی روحیه‌ی خلاقانه برای طراحی فرهنگی ایده آل برخوردار هستند. این پژوهشگر، بین فرهنگ دانشگاه به عنوان یک سازمان و فرهنگ آکادمیک که مربوط به حرفه علمی است؛ تمایز قائل می‌شود. فرهنگ دانشگاه دارای سه جنبه است، فرهنگ مادی، فرهنگ سازمانی و فرهنگ روحی (چن و تیان^۳، ۲۰۱۲: ۶۲).

فرهنگ آکادمیک دانشگاه، فرهنگی سطح بالاست که عمدتاً به شناخت دنیای ناشناخته، کاوش حقیقت عینی، عرضه روش‌شناسی، دیدگاه دنیای علم، فن و دانش جدید می‌پردازد تا انسان‌ها بتوانند دنیای عینی را درک و اصلاح کنند. دستاوردهای فرهنگ آکادمیک نیز عناصری مانند جهان بینی، روش‌شناسی، نظریات علمی، هنجار رفتاری، فناوری پیشرفته و نیز دیدگاه آکادمیک، روحیات و اخلاقیات آکادمیک، فضای آکادمیک و جو آکادمیک هستند. به نظر وی در تعارض بین این دو فرهنگ، فرهنگ دانشگاه، توسعه فرهنگ آکادمیک را مقید و محدود می‌کند. محدودیت‌ها اغلب از سه جهت اعمال می‌شوند: محدودیت از سوی افراد،

¹. Finishing school

². Republic of Science

³. Xi Shen & Xianghong Tian

محدودیت از سوی محیط های انسانی دانشگاه و محدودیت از سوی شرایط مادی (چن وتیان، ۲۰۱۲: ۶۴).

سرل (۱۹۹۷) پنج فرهنگ دانشجویی را مطرح می‌کند: فرهنگ اخوت و برادری، فرهنگ حرفه‌ای، فرهنگ علمی و فکری، فرهنگ سیاسی و فرهنگ هنری. در بین این فرهنگ های دانشجویی و ملزومات دانشگاه، ارتباط محکمی وجود دارد (بوررو کابال، ۱۳۸۷: ۱۲۹). از طرف دیگر آرتور چیکرینگ هفت نکته را تحت عنوان بردارهای رشد و کمال دانشجو ذکر می‌کند:

- توسعه توانایی: قابلیت‌های جسمی، معنوی، ذهنی و اجتماعی مورد نیاز برای فرد در حال رشد،
- کنترل احساسات: خویشتن داری در مجامع فرهنگی و اجتماعی، اجتناب از رفتارهای ناگهانی و ارتکاب اعمال ناصحیح جنسی،
- توسعه استقلال: توسعه سیستم خود تنظیمی و سیستم ارزش شخصی،
- کسب هویت: درک خود فیزیکی و جنسی،
- آزادی روابط دوطرفه: احترام و بردباری در مقابل دیگران برای گسترش روابط صمیمی و عمیق با دانشجویان و کسانی که با آنها در تماس هستند،
- هدف مداری: تعیین سمت و سوی علایق و نحوه زندگی شخصی،
- کسب هماهنگی درونی: هماهنگی بین عقیده و عمل و ساختن یک سیستم ارزش شخصی (بوررو کابال، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

یکی از نگرانی های بزرگی که دانشجویان را تحت تاثیر قرار می دهد چگونگی ایجاد تعادل در زندگی است. به گزارش کالج سلطنتی روان پزشکان، دانشجویان در سال های آخر نوجوانی به دلیل افزایش استقلال و مسئولیت ها، با چالش های مهمی مواجه هستند. زندگی برای دانشجویانی که برای اولین بار از خانه دور می شوند دشوار است. این دشواری شامل جدایی از خانواده و دوستان، سازگاری با محیط جدید، نیاز به مواجهه با مسئولیت های جدید و آینده ای نامعلوم می شود. گزارش های مشابهی از سوی محققان دیگر نیز ارائه شده است.

به اعتقاد راس و همکارانش (۱۹۹۹) دانشجویان، به ویژه دانشجویان سال اول، بیشتر در معرض استرس قرار دارند چرا که از زندگی در خانه فاصله گرفته و زندگی دانشگاهی را شروع می کنند. آنها باید خود را با این شرایط جدید وفق دهند:

- دوری از خانه برای اولین بار؛
- بالا نگه داشتن سطح پیشرفت تحصیلی؛

• وسازگاری با یک محیط اجتماعی جدید (نیهاریکا و سوپریا^۱، ۲۰۱۱: ۲۳۷). علاوه بر این، دانشجو برای کسب نمرات خوب نیز تحت فشار قرار دارد. تکالیف بیش از حد، وظایف نامشخص، کلاس‌های درس عذاب‌آور، مهلت ارزشیابی، روابط با اعضای هیئت علمی، فشار زمانی، فشار مالی، ارتباط با همسالان، جنس مخالف، خانواده و دوستان، عادت‌های جدید خواب و خوراک، تنهایی و چشم‌انداز شغلی یأس‌آور، دیگر عوامل استرس‌زای شناسایی شده توسط پژوهشگران هستند.

هیوز و همکاران (۲۰۰۶) معتقدند برخی از دانشجویان برای تطبیق دادن خود با شبکه‌های اجتماعی دانشگاه با مشکل مواجه می‌شوند و به خاطر روابط بین فردی ضعیف با همسالان و اساتید خود دچار فشار روحی می‌شوند (نیهاریکا و سوپریا، ۲۰۱۱: ۲۳۷). همچنین، به اعتقاد زیدنر (۱۹۹۲) دانشجویان از محیطی با پیشینه فرهنگی همگن وارد یک گروه ناهمگن با افرادی با پیشینه‌های فرهنگی و اجتماعی مختلف می‌شوند. این تغییر، دانشجویان را دچار تشویش و استرس می‌کند (نیهاریکا و سوپریا^۲، ۲۰۱۱: ۲۳۸).

در مطالعات برزونسکی^۳ به سه سبک هویت متمایز اشاره شده است: ۱- سبک هویت اطلاعاتی که در آن جوان یا نوجوان با موقعیت‌های روزانه کنار می‌آید و به طور فعال به جستجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازد. ۲- سبک هویت هنجاری که بر پایه تقلید و پیروی از افراد مهم بنا شده است. ۳- سبک هویت سردرگم^۴: این سبک نماد برخورد طفره‌آمیز با مشکلات و نیز نماد به تأخیر انداختن و شانه خالی کردن است. سبک سردرگم با سطوح پایین تعهد و همچنین عزت نفس پایین و خودپنداره بی‌ثبات در ارتباط است. افراد سردرگم به طور کلی به آینده یا پیامدهای درازمدت انتخاب‌های خود زیاد توجه نمی‌کنند. آنان تعهدی در قبال انتخاب‌های هویت از خود نشان نمی‌دهند یا فقط زمانی درباره چیزی جدید نشان می‌دهند که شرایط بیرونی به آنها تحمیل کرده باشد (سلیمانیان، درودی و گل‌پیچ، ۱۳۹۲).

برخی محققان، ارتباط میان جوامع یادگیرنده در خوابگاه‌های دانشجویی و تجربیات بدست آمده از سوی دانشجویان را مورد بررسی قرار داده‌اند. از نظر آنان، جوامع یادگیرنده در خوابگاه‌های دانشجویی موجب موفقیت تحصیلی دانشجویان می‌شوند. هم‌چنین برنامه‌های

^۱. Niharika & Supriya

^۲. Niharika & Supriya

^۳. Berzonsky

^۴. Diffuse- avoidant Style

جوامع یادگیری اثربخش تر از سایر برنامه‌های یادگیری‌اند و سرمایه‌گذاری در این نوع جوامع میزان دانش آموختگان موفق را افزایش می‌دهد (پایک و شرودر^۱، ۱۹۹۷).

یافته‌های پژوهش "بررسی مشکلات دانشجویان در طول زندگی دانشجویی، یک نمونه از ترکیه" نیز نشان می‌دهد در این کشور دانشجویان با مسائلی از قبیل سازگاری با محیط علمی و اجتماعی دانشگاه، تغذیه و محل سکونت، برآورده کردن الزامات و انتظارات دانشگاه، استقلال یافتن در آزادی‌های اجتماعی کسب شده، تردید در روابط خود با دوستان و جنس مخالف، و جستجو برای فرصت‌های حرفه‌ای روبرو هستند. به‌طور کلی، زندگی دانشجویی دورانی است که علاوه بر زیبایی و لذتی که برای دانشجویان به ارمغان می‌آورد، مشکلات متعددی را نیز برای آنها به‌دنبال دارد (زافر کیراز، ۲۰۱۴).

مطالعات ایرانی

سریع القلم (۱۳۷۵) ویژگی فرهنگ دانشگاهی در جامعه ایران را به شرح ذیل می‌داند:

- **تفکر فردی:** عدم تمایل به فعالیت گروهی و اشتراک اندیشه‌ها با یکدیگر.
- **تئوری حجم:** جامعه دانشگاهی ما بسیار تحت تأثیر اندیشه‌های کمی است، کمتر با کیفیت پدیده‌ها کار دارد و بیشتر به کمیت آنها توجه می‌کند.
- **غرور فردی:** فقدان تواضع لازم در کار علمی و در پذیرش و شناخت علمی.
- ورود افراد ناآشنا و کم ظرفیت به حوزه علم.

هم چنین از دیدگاه رفیع‌پور (۱۳۸۱) استبداد سیاسی، سلطه نگرش خاصی از مذهب، رفتار هنجاری، تضاد، رفتار احساسی، خودنمایی، جاه‌طلبی، برتری جویی و فردگرایی از جمله مسائل موجود در دانشگاه‌های ایران هستند که مانع توسعه علمی می‌شوند.

درپیمایش احمدرجب زاده (۱۳۸۱) درزمینه دینداری و علم‌گرایی دانشجویان، ضمن آنکه دانشجویان در شاخص‌های دینداری وضعیت خوبی داشته‌اند، از نظر علم‌گرایی نیز ۵۱٪ آنان در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی شده‌اند. ۱۸٪ آنان نیز در علم‌گرایی رتبه کم و خیلی کم داشته و بقیه متوسط بوده‌اند.

در تحقیق دفتر مطالعات فرهنگی وزارت علوم (۱۳۸۰) پیرامون علت یابی و بررسی مسائل فرهنگی دانشگاهها ۵۲٪ پاسخگویان، وضعیت فضاها و اماکن فرهنگی را ضعیف اعلام

^۱ . Pike & Schroeder

کرده‌اند. هم‌چنین در آن تاریخ تنها ۳٪ دانشجویان در کانون‌های فرهنگی و هنری عضویت داشته‌اند.

امین اسماعیلی و خلیلی (۱۳۸۱) در پژوهش خود نتیجه گرفته‌اند که مدیریت و برنامه‌ریزی کلان دانشگاه‌ها دچار ضعف است به طوری که همان هدف‌های قابل حصول از قبیل توزیع دانش و تربیت متخصص نیز تابع نیازهای جامعه نبوده است. کم‌توجهی به بخش پژوهش و سپس پرورش، امکان‌آیفای کارکردهای دانشگاه در تولید علم و بازتولید سنت را نیز از دانشگاه سلب نموده است (اسماعیلی و خلیلی، ۱۳۸۱: ۴۴). آنان نتیجه می‌گیرند که شرایط دانشگاه‌های ایران حاوی آسیب‌های فرهنگی است؛ این آسیب‌ها ناشی از "بحران ساختار" دیگر نهادهاست (اسماعیلی و خلیلی، ۱۳۸۱: ۵۲).

در پیمایش سراج زاده و جواهری (۱۳۸۲) در بخش نگرش دانشجویان نسبت به مسائل دانشگاه ۴۲/۵ آنان شاخص ارزیابی از امکانات آموزشی دانشگاه را ضعیف و خیلی ضعیف، ۳۳/۱ متوسط و تنها ۲۴/۵ خیلی خوب و خوب ارزیابی کرده‌اند. هم‌چنین اکثر آنان معتقد بودند واحدهای رفاهی دانشگاه که عهده‌دار تامین نیازهای اولیه آنان هستند از کارآیی لازم برخوردار نیستند. ۹۰٪ پاسخگویان نیز، خواهان افزایش نقش دانشجویان در امور فرهنگی دانشگاه بوده‌اند.

نتایج پژوهش انجام شده توسط مه‌رام و همکاران (۱۳۸۴) که در یکی از دانشگاه‌های ایران صورت گرفته است، نشان می‌دهند که مواردی چون ارزش‌هویت دینی، ملی، علمی، امید به آینده، خویش‌داری و مسئولیت‌پذیری در دانشجویان کاهش یافته و مواردی چون هویت اعتیاد‌پذیر، به‌کارگیری قواعد بازی، تقلب، بی‌پروایی در مواجهه با جنس مخالف در آنان رشد داشته است.

فاضلی در تعریفی انسان‌شناختی و به تبعیت از تعریف «معناشناختی و تأویل‌گرایانه» کلیفور گیرتز^۱ از فرهنگ، معتقد است می‌توان فرهنگ دانشگاهی را الگوی معانی نهفته در صور نمادین، از جمله کنش‌ها، گفته‌ها و تمامی مقولات معناداری دانست که افراد دانشگاهی به کمک آن با هم ارتباط برقرار می‌کنند و در تجارب، دریافت‌ها و باورهای مشترک با یکدیگر سهیم می‌شوند (فاضلی، ۱۳۸۷: ۹۲). با توجه به تعریف مذکور، فرهنگ دانشگاهی به صورت زبان ویژه، فضای نمادین، آیین‌های دانشگاهی، عرف و مقررات و به طور کلی نهادهای خاص، عینیت و تبلور می‌یابد و مهم‌ترین کارکرد آن تعیین ایجاد و نوع خاص هویت برای انسان دانشگاهی است. به تعبیر استعاری تونی بچر (۱۹۸۷)، فرهنگ دانشگاهی، قلمروها و مرزهای

^۱. Geertz, 1983

اجتماع علمی را مانند یک قبیله مشخص می‌سازد. گالتونگ استدلال می‌کند که هر جامعه‌ای «فرهنگ دانشگاهی» خاص خود را ایجاد می‌کند، زیرا فرهنگ دانشگاهی از دل ساختارها و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه بیرون می‌آید. بنابراین، جامعه الگوها، شیوه‌ها و استانداردهای ملازم آموزش و پژوهش مؤثر را در فرایند یادگیری و انتقال علم مشخص می‌کند.

نکته دیگری که فاضلی مطرح می‌کند «شوک فرهنگی»^۱ است. در واقع شوک فرهنگی در میان دانشجویان نوعی واکنش طبیعی به وضعیتی است که فشار روحی ناشی از عدم آگاهی نسبت به انتظارات استاد، عدم وقوف به هنجارها، استانداردهای دانشگاه و ناتوانی در پیش‌بینی از آینده و انجام موفقیت‌آمیز دوره تحصیلی است (فاضلی، ۱۳۸۷: ۱۰۵). به اعتقاد فاضلی یکی از اساسی‌ترین مشکلات دانشگاه ایرانی ناتوانی آن در شکل بخشیدن هویت آکادمیک در دانشجویان و تربیت انسان آکادمیک است.

مطالعه بقایی و اسماعیلی (۱۳۸۸) پیرامون عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت دانشگاهی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی صورت گرفته است نشان می‌دهد؛ میانگین نمره هویت دانشگاهی این دانشجویان در طیف لیکرت برابر با ۲/۸۶ می‌باشد. یعنی سطح هویت دانشگاهی نیمی از دانشجویان مساوی یا کمتر از ۲/۸۶ است. همچنین میانگین متغیر فرهنگ دانشگاهی در حدود ۳/۰۶ (در حد متوسط) می‌باشد.

از سویی به اعتقاد قلی‌پور و همکاران (۱۳۸۹) عواملی که سازنده هویت دانشجویی می‌باشند، درون متن زندگی دانشجویی قابل درک می‌باشند. به این دلیل در ارزیابی هویت دانشجویی باید دید، آگاهی و تحلیل فرد از خودش به عنوان یک دانشجو چیست و چه درکی از عضویت در یک دانشگاه دارد؟ دانشجو در بازاندیشی یا خوداندیشی مداومی که در ارتباط با دانشگاه (نهاد مدرن با آموزه‌های مدرن) و سابقه ذهنی، فرهنگی و اجتماعی خود (نهادهای سنتی که فرد در دل آنها رشد یافته و هنوز با آنها در ارتباط است) دارد، چگونه هویت خویش را بر می‌سازد؟ چرا که بنابر اعتقاد شمیر و کارک (۲۰۰۴) هویت دانشجویی در محیط دانشجویی و آنچه زندگی دانشجویی را می‌سازد شکل می‌گیرد (قلی‌پور و همکاران ۱۳۸۹: ۱۲۳).

در مطالعه ابراهیمی (۱۳۹۲) که پیرامون «نقش فرهنگ دانشگاهی بر دانش آفرینی از دیدگاه صاحب‌نظران نظام آموزش عالی» انجام شد مولفه‌های فرهنگ دانشگاهی در ۱۰ تم دسته بندی شدند؛ که عبارت بودند از: استقلال آکادمیک، آزادی علمی، اخلاق حرفه‌ای،

1. Culture shock

مدیریت، ارتباطات، مشارکت و انجام دادن کارگروهی، فرهنگ یادگیری، اعتماد بین اعضا، سیستم پاداش و ارزیابی. یافته‌های کیفی نشان داد صاحب نظران وضعیت این مولفه‌ها را ضعیف و نامناسب توصیف کردند.

براساس مطالعه‌ای دیگر با بالاتر رفتن تحصیلات افزایش سرمایه فرهنگی اتفاق نمی‌افتد و دانشگاه‌های ایرانی نتوانسته‌اند سرمایه فرهنگی افراد را ارتقا دهند و بین تحصیل کردگان و سایرین تمایز ایجاد کنند (منادی، الف، ۱۳۸۶ و ب، ۱۳۹۱).

به عنوان جمع بندی مروری، مطالعات پیش گفته بیانگر وجود یک بحران جدی در حوزه زندگی آکادمیک، هویت دانشگاهی و فرهنگ متناسب با آن در ایران است. تنها مطالعه رجب زاده در این یک استثناء به شمار می‌رود. این مطالعه در سال ۱۳۷۸ انجام و سه سال بعد نتایج آن در قالب یک کتاب منتشر شده است. به نظرمی رسد در آن دوره هنوز فرآیند توده‌ای شدن آموزش عالی کاملاً آثار خود را آشکار نکرده بود. یافته‌های مطالعات بعدی برای هردانشگاهی دلسوزی، نگران کننده است.

رویکرد نظری مطالعه

رویکرد نظری این مطالعه ملهم از مردم شناسی شناختی است. این رهیافت به دنبال ادراک مقولات فرهنگی فرد است. گودناف (۱۹۸۱) عنوان می‌کند که مردم شناسان شناختی به طور سنتی بر فهم «سازمان شناختی فرهنگ» تأکید داشته‌اند و بدین منظور برای زبان و ارتباط بین کلمات، اهمیت فراوانی قائل هستند. آنان معتقدند که آسان‌ترین راه برای مطالعه سازمان شناخت فرهنگی مردم این است که نظام معانی و مفاهیم، آن مردم را مطالعه کرد. به عبارت دیگر این‌ها به رفتار متناسب و مورد انتظار از مردم توجه دارند نه به رفتار واقعی قابل مشاهده. هدف، توصیف دقیق و کامل نظام شناختی است و این ناظر به شناسایی اجزای یک فرهنگ و رابطه بین این اجزاست. لذا مردم شناسی شناختی، به دنبال پاسخگویی به دو سوال است: برای مردم متعلق به فرهنگهای مختلف، چه پدیده‌هایی معنا دارند؟ و این مردم چگونه این پدیده‌ها را سازماندهی می‌کنند؟ هدف روش شناختی مردم شناسان شناختی، توصیف سازمان فرهنگ با استفاده از مقولات فرد مشارکت کننده است. لذا دیگر انجام آزمون هدف نیست (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۱۵۸).

در تحقیق حاضر نیز، بر فهم شناختی دانشجویان از محیط علمی خود، و رفتار متناسب و مورد انتظار تأکید داریم؛ تا کشف نمائیم آنان تا چه حد به ویژگی‌های یک محیط آکادمیک و تمایزات آن با سایر محیطها (مانند مدرسه) اشراف دارند؟ آنها با چه نظام معانی و چه زبانی در

مورد وجوه ممیزه و ویژگی‌ها و تأثیرات محیط دانشگاه بر خود سخن می‌گویند؟ تحلیل مضامین بیان شده توسط دانشجویان که درک مستقیمی از محیط جدید آکادمیک پیدا کرده‌اند؛ چه ساختار شناختی را بازنمایی می‌کند؟

روش مطالعه

این تحقیق از نظر هدف «توسعه‌ای» و از نظر روش «تحلیل محتوا»^۱ است. روش گردآوری اطلاعات، پرسشنامه باز محقق ساخته، بوده است که دارای چهار پرسش می‌باشد. از آنجا که این مطالعه در سطح پایلوت (مقدماتی) انجام شده است، محقق از یک «نمونه» در دسترس «مشتمل بر ۶۰ نفر از دانشجویان کارشناسی شاغل به تحصیل در سال ۹۲-۱۳۹۱ در دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی به عنوان پاسخگویان بهره برده است. از آنجا که پرسشنامه دارای سوالات باز بوده و صرف وقت زیاد و همکاری و تعامل نزدیک دانشجویان را می‌طلبد از نمونه در دسترس استفاده شد. از مجموع این دانشجویان، ۴۲ نفر دختر و ۱۸ نفر پسر می‌باشند. رشته تحصیلی ۳۳ نفر (معادل ۵۵ درصد) مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، ۲۷ نفر (معادل ۴۵ درصد) مشاوره و راهنمایی می‌باشد. به دانشجویان اطمینان داده شد که پاسخ‌های آنها محرمانه و بدون ذکر نام منعکس خواهد شد. برخی پاسخگویان به همه پرسش‌ها پاسخ ندادند. از این رو در جمع‌بندی پاسخهای هر پرسش تعداد پاسخگویان متفاوت است. واحد ثبت، «موضوع یا مضمون» و واحد زمینه پاسخ مکتوب پرسش‌ها ست. روش شمارش «محاسبه فراوانی و بسامد» مضامین مشابه در پاسخ‌های مکتوب می‌باشد. میزان کفایت و اشباع داده‌ها با تکمیل پرسشنامه توسط دانشجویان سه کلاس درس حاصل شد در پرسش اول، مضامین ابتدا به سه مقوله تفکیک و سپس هر کدام به زیرمقوله‌هایی تقسیم شد. به نظر هولستی در کتاب تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، این روش به معنای تحلیل علمی پیام‌های ارتباطی است. پیسلی بر این است که تحلیل محتوا مرحله‌ای از جمع‌آوری اطلاعات است که در آن محتوای ارتباطات از طریق به کارگیری عینی و منظم قواعد مقوله‌بندی، به اطلاعاتی که می‌توانند خلاصه و با هم مقایسه شوند، تغییرشکل می‌یابند (هولستی، ۱۳۸۰: ۱۳). از جنبه‌های بسیاری «موضوع» - یعنی اظهارهای واحدهای درباره چیزی مفیدترین واحد تحلیل محتواست. وی می‌افزاید کاربرد این واحد در پژوهش‌های مربوط به تبلیغات، ارزش‌ها، ایستارها، اعتقادات و نظایر آن ضروری است (هولستی، ۱۳۸۰: ۱۸۲). مقوله‌ها فضاهایی هستند که واحدهای محتوا باید در آن طبقه‌بندی شوند (هولستی، ۱۳۸۰: ۱۴۸).

^۱. Meta-Analysis

چهار مقوله^۱ اصلی را محقق از قبل در چارچوب مصاحبه نیمه استاندارد مشخص کرده بود زیرا طرح استاندارد طبقه بندی شده‌ای در مورد موضوع تحقیق در دسترس نبود و براساس جستجوهای انجام شده هیچ تحلیل محتوایی در مورد زندگی دانشجویی در ایران انجام نشده بود. کدگذاری موضوعات و مضامین ابتدا توسط محقق انجام و سپس توسط تیم سه نفره داوران مرکب از اعضای هیات علمی آشنا با مباحث آموزش عالی، حکم و اصلاح شد. به منظور آزمون تفاوت معناداری بین مضامین از آزمون "خی دو" استفاده شده است.

سوال های تحقیق عبارتند از:

- ✓ چه تفاوت هایی بین مدرسه و دانشگاه وجود دارد؟
- ✓ پس از ورود به دانشگاه چه تغییراتی در نگرش ها و رفتارهای فرد حاصل می گردد؟
- ✓ ویژگی های جالب و جذاب زندگی دانشجویی چیست؟
- ✓ ویژگی های منفی و آسیب های زندگی دانشجویی چیست؟

یافته های تحلیل محتوا

این تحلیل محتوا بر اساس یافته های پرسش نامه های باز تکمیل شده توسط دانشجویان دختر و پسر دوره کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران، در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ سامان یافته است. نتایج در چهار بخش مجزا برای پاسخگویی به سوالات تحقیق آورده شده است. از چهار پرسش مطرح شده؛ و دانشجویان مختار بودند به هر پرسشی که قادرند پاسخ دهند. به همین دلیل تعداد پاسخگویان هر پرسش متفاوت است. به همین نسبت نیز تعداد مضامین استخراج شده برای هر پرسش، براساس استقبال پاسخگویان و حجم پاسخ ها متغیر می باشد.

۱. تفاوت های مدرسه و دانشگاه از دید دانشجویان

نتایج حاصل از تحلیل محتوا ۵۸ پاسخ، شامل ۵۳ مضمون می باشد. این مضامین را می‌توان به سه گروه عمده تقسیم نمود: گروه نخست بعد علمی و آموزشی است که تعداد آن ۱۲۵، با (۳۴/۳ درصد) می‌باشد. همچنین گروه دوم بعد اجتماعی و فرهنگی به تعداد ۲۰۵، با (۵۶/۲۳ درصد)، و گروه سوم بعد سازمانی و مدیریتی به تعداد ۳۴، با (۹/۳ درصد) است. تعریف عملیاتی هر یک از این ابعاد به این شرح می‌باشد:

الف: بعد علمی و آموزشی: شامل تمامی مضامین مربوط به تدریس، آموزش و پژوهش، برنامه‌ریزی درسی و مواردی از این قبیل می باشد.

^۱. Category

ب: بعد سازمانی و مدیریتی: شامل کلیه موارد مرتبط با اداره‌ی امور دانشگاه، مسائل رفاهی و مسائل مربوط به مدیریت است.

ج: بعد اجتماعی و فرهنگی: این گروه تمامی موارد مربوط به تعاملات فرهنگی و اجتماعی دانشجویان، کلیه رفتارها و حوزه‌های رفتاری، نگرش‌ها، ایستارهای شناختی، خرده فرهنگ‌های دانشجویی، خرده فرهنگ آکادمیک، هنجارهای اجتماع علمی و ... را در بر می‌گیرد. میزان فراوانی این سه بعد به شرح جدول شماره ۱ می‌باشد. همچنین با در نظر گرفتن درجه آزادی ۲ و ۹۹ درصد اطمینان و سطح معناداری صفر، میزان آماره‌ی آزمون خی دو معادل ۱۲۰/۶۶۵ حاصل گردید که بیانگر وجود تفاوت معناداری میان سه مقوله مطرح شده است.

جدول ۱: یافته‌های مربوط به ابعاد سه گانه

| ردیف | ابعاد | فراوانی | درصد |
|------|-------------------|---------|-------|
| ۱ | اجتماعی و فرهنگی | ۲۱۵ | ۵۶/۲۳ |
| ۲ | علمی و آموزشی | ۱۲۵ | ۳۴/۳ |
| ۳ | سازمانی و مدیریتی | ۳۴ | ۹/۳ |
| | مجموع | ۳۶۴ | ۱۰۰ |

در ادامه جدول تفصیلی مضامین و میزان فراوانی هر گروه مشاهده می‌شود.

جدول ۲: مضامین علمی و آموزشی

| ردیف | مضامین | فراوانی (در پاسخهای دختران) | | فراوانی (در پاسخهای پسران) | | درصد | فراوانی (مجموع) | درصد |
|------|---|-----------------------------|-------|----------------------------|-------|------|-----------------|------|
| | | درصد | تعداد | درصد | تعداد | | | |
| ۱ | تاکید بیشتر بر تحقیق و پژوهش در دانشگاه | ۱۵ | ۵/۹۵ | ۶ | ۵/۳۶ | ۲۱ | ۵/۷۷ | |
| ۲ | پراکندگی و متنوع بودن منابع درسی در دانشگاه | ۱۰ | ۳/۹۷ | ۶ | ۵/۳۶ | ۱۶ | ۴/۳۹ | |
| ۳ | یادگیری حجم زیاد مطالب درسی در زمان کمتری نسبت به مدرسه | ۱۰ | ۳/۹۷ | ۵ | ۴/۴۶ | ۱۵ | ۴/۱۲ | |

ادامه‌ی جدول ۲: مضامین علمی و آموزشی

| ردیف | مضامین | فراوانی (در پاسخهای دختران) | درصد | فراوانی (در پاسخهای پسران) | درصد | فراوانی (مجموع) | درصد |
|------|--|-----------------------------|-------|----------------------------|-------|-----------------|------|
| ۴ | پررنگ تر شدن نقش دانشجو در یادگیری (محوریت دانشجو و نه استاد در تحصیل) | ۹ | ۳/۵۷ | ۵ | ۴/۴۶ | ۱۴ | ۳/۸۵ |
| ۵ | دستیابی به منابع و امکانات علمی بیشتر در دانشگاه همانند کتابخانه، آزمایشگاه و نیز متخصصان دانشگاهی | ۹ | ۳/۵۷ | ۳ | ۲/۶۸ | ۱۲ | ۳/۲۹ |
| ۶ | پررنگ شدن نقش دانشجو در آموزش از طریق مشارکت در بحث و اظهارنظر | ۷ | ۲/۷۸ | ۵ | ۴/۴۶ | ۱۲ | ۲/۲۹ |
| ۷ | قدرت و توانایی انتخاب واحدهای درسی و استاد در دانشگاه | ۷ | ۲/۷۸ | - | - | ۷ | ۱/۹۲ |
| ۸ | بالا تر بودن سطح علمی و اطلاعات تخصصی در دانشگاه | ۶ | ۲/۳۸ | ۱ | ۰/۸۹ | ۷ | ۱/۹۲ |
| ۹ | استقلال در نحوه مطالعه دانشجو | ۵ | ۱/۹۸ | ۲ | ۱/۷۸ | ۷ | ۱/۹۲ |
| ۱۰ | تخصصی‌تر شدن آموزش و دروس در دانشگاه | ۳ | ۱/۱۹ | ۲ | ۱/۷۸ | ۵ | ۱/۳۷ |
| ۱۱ | استفاده از متون و منابع غیر فارسی | ۳ | ۱/۱۹ | ۲ | ۱/۷۸ | ۵ | ۱/۳۷ |
| ۱۲ | بالا تر بودن سطح تخصص و تحصیلات اساتید دانشگاه به نسبت معلم های مدارس | ۲ | ۰/۷۹ | ۱ | ۰/۸۹ | ۳ | ۰/۸۲ |
| ۱۳ | عادلانتر بودن سیستم ارزیابی تحصیلی در مدرسه | - | - | ۱ | ۰/۸۹ | ۱ | ۰/۲۷ |
| | مجموع | ۸۶ | ۳۴/۱۲ | ۳۹ | ۳۴/۷۹ | ۱۲۵ | ۳۴/۳ |

علمی و آموزشی

با در نظر گرفتن درجه آزادی ۱۲ و ۹۹ درصد اطمینان و سطح معناداری صفر، میزان آماره‌ی خی دو معادل ۴۲/۷۵۲ به دست آمده است که بیانگر وجود تفاوت معناداری میان ۱۳ مضمون مطرح شده برای مقوله علمی و آموزشی است. مقایسه درصد فراوانی پاسخ های ارائه

شده توسط دانشجویان دختر نشان می‌دهد که تاکید بیشتر بر تحقیق و پژوهش در دانشگاه، با (۵/۹۵ درصد) بالاترین اولویت را در میان شاخص‌های مطرح شده برای مضامین علمی و آموزشی دارد و در ادامه پراکندگی و متنوع بودن منابع درسی در دانشگاه و یادگیری حجم زیاد مطالب درسی در زمان کمتری نسبت به مدرسه، با (۳/۹۷ درصد) در رتبه دوم؛ پررنگ تر شدن نقش دانشجو در یادگیری و دستیابی به منابع و امکانات علمی بیشتر در دانشگاه همانند کتابخانه، آزمایشگاه و متخصصان دانشگاهی، با (۳/۵۷ درصد) در رتبه سوم؛ پررنگ شدن نقش دانشجو در آموزش از طریق مشارکت در بحث و اظهارنظر، و قدرت و توانایی انتخاب واحدهای درسی و استاد در دانشگاه، با (۲/۷۸ درصد) در رتبه چهارم و بالاتر بودن سطح علمی و اطلاعات تخصصی در دانشگاه در رتبه پنجم قرار دارند؛ و این در حالیست که دانشجویان پسر دو مولفه‌ی تاکید بیشتر بر تحقیق و پژوهش در دانشگاه، و پراکندگی و متنوع بودن منابع درسی در دانشگاه، با (۵/۳۶ درصد) را مهمتر می‌دانند و در ادامه سه مولفه‌ی یادگیری حجم زیاد مطالب درسی در زمان کمتری نسبت به مدرسه، پررنگ تر شدن نقش دانشجو در یادگیری و پررنگ شدن نقش دانشجو در آموزش از طریق مشارکت در بحث و اظهارنظر، با (۴/۴۶ درصد) در جایگاه دوم؛ دستیابی به منابع و امکانات علمی بیشتر در دانشگاه همانند کتابخانه، آزمایشگاه و متخصصان دانشگاهی، با (۲/۶۸ درصد) در جایگاه سوم؛ استقلال در نحوه مطالعه دانشجو، تخصصی‌تر شدن آموزش و دروس در دانشگاه و استفاده از متون و منابع غیر فارسی، با (۱/۷۸ درصد) در رتبه چهارم و بقیه موارد در جایگاه پنجم قرار دارند.

جدول ۳: مضامین اجتماعی و فرهنگی

| ردیف | مضامین | فراوانی (در پاسخهای دختران) | درصد | پسران | فراوانی (در پاسخهای پسران) | درصد | فراوانی (مجموع) | ردیف |
|------|---|-----------------------------|------|-------|----------------------------|------|-----------------|------|
| ۱ | ارتباط و معاشرت با جنس مخالف و مختلط بودن کلاس‌های دانشگاهی | ۱۷ | ۶/۷۵ | ۱۱ | ۹/۸۲ | ۲۸ | ۷/۶۹ | ۱ |
| ۲ | حضور ترکیب‌های قومی، فرهنگی و ملیتی در دانشگاه | ۱۴ | ۵/۵۶ | ۵ | ۴/۴۶ | ۱۹ | ۵/۲۲ | ۲ |
| ۳ | نظارت نه چندان قوی بر حضور و غیاب دانشجو | ۱۴ | ۵/۵۶ | ۳ | ۲/۶۸ | ۱۷ | ۴/۶۷ | ۳ |

ادامه‌ی جدول ۳: مضامین اجتماعی و فرهنگی

| ردیف | مضامین | فراوانی (در پاسخهای دختران) | درصد | فراوانی (در پاسخهای پسران) | درصد | فراوانی (مجموع) | درصد | اجتماعی و فرهنگی |
|------|---|-----------------------------|------|----------------------------|------|-----------------|------|------------------|
| ۴ | عمیق تر بودن دوستی‌ها و صمیمیت بیشتر در مدارس | ۱۱ | ۴/۳۶ | ۴ | ۳/۵۷ | ۱۵ | ۴/۱۲ | اجتماعی و فرهنگی |
| ۵ | سخت‌گیرانه تر بودن قوانین مدرسه | ۱۲ | ۴/۷۶ | ۲ | ۱/۷۸ | ۱۴ | ۳/۸۵ | |
| ۶ | فقدان نظارت خانواده و دانشگاه بر نحوه مطالعه و نمرات دانشجوی | ۹ | ۳/۵۷ | ۴ | ۳/۵۷ | ۱۳ | ۳/۵۷ | |
| ۷ | بازتر بودن محیط دانشگاه و برخورداری از آزادی عمل بیشتر نسبت به مدرسه | ۹ | ۳/۵۷ | ۴ | ۳/۵۷ | ۱۳ | ۳/۵۷ | اجتماعی و فرهنگی |
| ۸ | نظارت کمتر والدین بر زندگی دانشجوی و افزایش استقلال و مسئولیت‌های فرد | ۹ | ۳/۵۷ | ۳ | ۲/۶۸ | ۱۲ | ۳/۲۹ | |
| ۹ | نبود پوشش مخصوص در دانشگاه در مقابل یکدست بودن آن در مدرسه | ۱۰ | ۳/۹۷ | ۲ | ۱/۷۸ | ۱۲ | ۳/۲۹ | |
| ۱۰ | پررنگ تر شدن ارتباطات اجتماعی در دانشگاه | ۶ | ۲/۳۸ | ۳ | ۲/۶۸ | ۹ | ۲/۴۷ | |
| ۱۱ | پررنگ تر بودن فعالیت‌های غیر درسی و تفریحی در دانشگاه | ۴ | ۱/۵۸ | ۳ | ۲/۶۸ | ۷ | ۱/۹۲ | |
| ۱۲ | امکان تبادل عقاید و اطلاعات در دانشگاه | ۳ | ۱/۱۹ | ۳ | ۲/۶۸ | ۶ | ۱/۶۵ | |
| ۱۳ | دوری از خانواده در دوران دانشگاه (از بعد مکانی) | ۲ | ۰/۷۹ | ۳ | ۲/۶۸ | ۵ | ۱/۳۷ | |
| ۱۴ | تکثر و حضور نهادها و انجمن‌های مختلف علمی، فرهنگی و... در دانشگاه | ۴ | ۱/۵۸ | ۱ | ۰/۸۹ | ۵ | ۱/۳۷ | |
| ۱۵ | توجه بیشتر به مسایل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... در دوران دانشجویی | ۴ | ۱/۵۸ | ۱ | ۰/۸۹ | ۵ | ۱/۳۷ | |

ادامه‌ی جدول ۳: مضامین اجتماعی و فرهنگی

| درصد | فراوانی (مجموع) | درصد | فراوانی (دریاسخهای پسران) | درصد | فراوانی (دریاسخهای دختران) | مضامین | رتبه | اجتماعی و فرهنگی |
|------|-----------------|------|---------------------------|------|----------------------------|--|------|------------------|
| ۱/۰۹ | ۴ | ۰/۸۹ | ۱ | ۱/۱۹ | ۳ | تفاوت سنی بیشتر در میان دانشجویان نسبت به دانش آموزان | ۱۶ | اجتماعی و فرهنگی |
| ۰/۸۲ | ۳ | ۱/۷۸ | ۲ | ۰/۳۹ | ۱ | دغدغه ورود به بازار کار و آینده شغلی در دانشگاه | ۱۷ | |
| ۰/۵۵ | ۲ | ۰/۸۹ | ۱ | ۰/۳۹ | ۱ | اختیاری بودن رفتن به دانشگاه پس از اتمام مدرسه (در مقابل اجباری بودن رفتن به مدرسه) | ۱۸ | اجتماعی و فرهنگی |
| ۰/۵۵ | ۲ | - | - | ۰/۷۹ | ۲ | تفاوت هدف از تحصیل در دانشگاه و مدرسه (مدرسه برای ورود به دانشگاه و دانشگاه برای یافتن شغل بهتر) | ۱۹ | |
| ۰/۵۵ | ۲ | - | - | ۰/۷۹ | ۲ | منطقی تر شدن در دوران دانشجویی و بروز رفتارهای پخته تر | ۲۰ | |
| ۰/۵۵ | ۲ | - | - | - | ۲ | برخورداوری از حس احترام بیشتر در دانشگاه | ۲۱ | |
| ۰/۲۷ | ۱ | - | - | ۰/۳۹ | ۱ | تمرکز و توجه کمتر به درس و افزایش مسایل حاشیه ای به علت مختلط بودن کلاس ها | ۲۲ | |
| ۰/۲۷ | ۱ | - | - | ۰/۳۹ | ۱ | کاهش اعتماد به نفس و جرات نظر دادن در دانشگاه به علت مختلط بودن کلاس ها | ۲۳ | |
| ۰/۲۷ | ۱ | ۰/۸۹ | ۱ | - | - | آشنا شدن با طرز تفکر و نگرش جنس مخالف | ۲۴ | |
| ۰/۲۷ | ۱ | ۰/۸۹ | ۱ | - | - | عدم استفاده از تنبیه بدنی در دانشگاه | ۲۵ | |
| ۰/۲۷ | ۱ | ۰/۸۹ | ۱ | - | - | بالا تر بودن هزینه تحصیل و زندگی در دوران دانشجویی | ۲۶ | |
| ۰/۲۷ | ۱ | - | - | ۰/۳۹ | ۱ | کامل شدن هویت فرد در دانشگاه به علت شرایط سنی نسبت به مدرسه | ۲۷ | |

ادامه‌ی جدول ۳: مضامین اجتماعی و فرهنگی

| ردیف | مضامین | فراوانی (در پاسخهای دختران) | | فراوانی (در پاسخهای پسران) | | مجموع |
|------|--|-----------------------------|-----------------|----------------------------|-----------------|-------|
| | | درصد | فراوانی (مجموع) | درصد | فراوانی (مجموع) | |
| ۲۸ | روابط دوستی در دانشگاه بر خلاف مدرسه به خود دانشگاه محدود نیست | ۰/۳۹ | ۱ | - | - | ۰/۲۷ |
| ۲۹ | ناسالم تر بودن رقابت تحصیلی در دانشگاه | ۰/۳۹ | ۱ | - | - | ۰/۲۷ |
| ۳۰ | بیشتر بودن انتظارات از یک دانشجو | ۰/۳۹ | ۱ | - | - | ۰/۲۷ |
| ۳۱ | مکانیزم کنترل در مدرسه بیرونی و در دانشگاه درونی است | ۰/۳۹ | ۱ | - | - | ۰/۲۷ |
| | مجموع | ۱۴۶ | | ۵۹ | | ۵۶/۲۳ |

با در نظر گرفتن درجه آزادی ۳۰ و ۹۹ درصد اطمینان، سطح معناداری صفر، میزان آزمون خی دو معادل ۲۱۴/۳۳۲ به دست آمده است که بیانگر وجود تفاوت معناداری میان ۳۱ مضمون مطرح شده برای مقوله اجتماعی و فرهنگی است. مقایسه درصد فراوانی پاسخ‌های ارائه شده توسط دانشجویان دختر نشان می‌دهد که ارتباط و معاشرت با جنس مخالف و مختلط بودن کلاس‌های دانشگاهی، با (۶/۷۵ درصد) بالاترین اولویت را در میان مضامین اجتماعی و فرهنگی دارد و پس از آن حضور ترکیب‌های قومی، فرهنگی و ملیتی در دانشگاه و نظارت نه چندان قوی بر حضور و غیاب دانشجو، با (۵/۵۶ درصد) در اولویت دوم؛ سخت‌گیرانه تر بودن قوانین مدرسه، با (۴/۷۶ درصد) در اولویت سوم؛ عمیق تر بودن دوستی‌ها و صمیمیت بیشتر در مدارس، با (۴/۳۶ درصد) در اولویت چهارم و نبود پوشش مخصوص در دانشگاه در مقابل یکدست بودن آن در مدرسه، با (۳/۹۷ درصد) در جایگاه پنجم قرار دارد. در مقابل، اگر چه مولفه‌ی ارتباط و معاشرت با جنس مخالف و مختلط بودن کلاس‌های دانشگاهی، با (۹/۸۲ درصد) از دیدگاه دانشجویان پسر نیز همچون دانشجویان دختر بالاترین رتبه را دارد اما حضور ترکیب‌های قومی، فرهنگی و ملیتی در دانشگاه، با (۴/۴۶ درصد) به تنهایی در مقام دوم؛ عمیق تر بودن دوستی‌ها و صمیمیت بیشتر در مدارس، فقدان نظارت خانواده و دانشگاه بر نحوه مطالعه و نمرات دانشجو و بازتر بودن محیط دانشگاه و برخورداری از آزادی عمل بیشتر نسبت به مدرسه، با (۳/۵۷ درصد) رتبه سوم؛ نظارت کمتر والدین بر زندگی دانشجو و افزایش استقلال

و مسئولیت های فرد، نظارت نه چندان قوی بر حضور و غیاب دانشجو، پررنگ تر شدن ارتباطات اجتماعی در دانشگاه، پررنگ تر بودن فعالیت های غیر درسی و تفریحی در دانشگاه، امکان تبادل عقاید و اطلاعات در دانشگاه و دوری از خانواده در دوران دانشجویی، با (۲/۶۸ درصد) رتبه چهارم و سخت گیرانه تر بودن قوانین مدرسه، نبود پوشش مخصوص در دانشگاه در مقابل یکدست بودن آن در مدرسه و دغدغه ورود به بازار کار و آینده شغلی در دانشگاه در رتبه پنجم قرار دارند.

جدول ۴: مضامین سازمانی و مدیریتی

| ردیف | مضامین | فراوانی (دختران) | درصد | فراوانی (دانشجویان پسران) | درصد | فراوانی (مجموع) | درصد |
|------|---|------------------|------|---------------------------|-------|-----------------|------|
| ۱ | بزرگ تر بودن فضای فیزیکی دانشگاه نسبت به مدرسه | ۱۲ | ۴/۷۶ | ۱۲ | ۱۰/۷۱ | ۲۴ | ۶/۵۹ |
| ۲ | تعداد بیشتر دانشجویان نسبت به دانش آموزان | ۳ | ۱/۱۹ | - | - | ۳ | ۰/۸۲ |
| ۳ | متغیر بودن ساعت های حضور در کلاس در دانشگاه بر خلاف مدرسه | - | - | ۱ | ۰/۸۹ | ۱ | ۰/۲۷ |
| ۴ | گسترده تر بودن رشته های دانشگاهی نسبت به رشته های دبیرستان | - | - | ۱ | ۰/۸۹ | ۱ | ۰/۲۷ |
| ۵ | ساختار سازمانی دانشگاه بلند و مرتفع و ساختار مدرسه ساده می باشد | ۱ | ۰/۳۹ | - | - | ۱ | ۰/۲۷ |
| ۶ | بیشتر بودن تعداد افراد صف و ستاد در دانشگاه | ۱ | ۰/۳۹ | - | - | ۱ | ۰/۲۷ |
| ۷ | برخورداری از اختیار بیشتر در تعیین اهداف و برنامه ریزی های میان و بلند مدت مدیران عالی دانشگاهی | ۱ | ۰/۳۹ | - | - | ۱ | ۰/۲۷ |

سازمانی و مدیریتی

ادامه‌ی جدول ۴: مضامین سازمانی و مدیریتی

| درصد | فراوانی (مجموع) | درصد | فراوانی (دریاسخهای پسران) | درصد | فراوانی (دریاسخهای دختران) | مضامین | ردیف | سازمانی و مدیریتی |
|------|-----------------|-------|---------------------------|------|----------------------------|--|------|-------------------|
| ۰/۲۷ | ۱ | - | - | ۰/۳۹ | ۱ | بالا تر بود حجم بودجه در دانشگاه | ۸ | |
| ۰/۲۷ | ۱ | - | - | ۰/۳۹ | ۱ | محیط پیرامونی مدارس تنها به والدین و اداره آموزش و پرورش محدود است ولی دانشگاه‌ها با مراکز بهداشتی، درمانی، صنعتی، اجتماعی و در ارتباطند. | ۹ | |
| ۹/۳ | ۳۴ | ۱۲/۴۹ | ۱۴ | ۷/۹ | ۲۰ | مجموع | | |

با در نظر گرفتن درجه آزادی ۸ و ۹۹ درصد اطمینان، سطح معناداری برابر صفر، میزان آزمون خی دو معادل ۱۲۲/۷ به دست آمده است که بیانگر وجود تفاوت معناداری میان ۹ مضمون مطرح شده برای مقوله سازمانی و مدیریتی است. بررسی نتایج نشان می‌دهد که بزرگ تر بودن فضای فیزیکی دانشگاه نسبت به مدرسه، با (۴/۷۶ درصد) مهم‌ترین مولفه از دیدگاه دانشجویان دختر می‌باشد و پس از آن تعداد بیشتر دانشجویان نسبت به دانش آموزان، با (۱/۱۹ درصد) در مرتبه دوم و سایر مولفه‌ها در اولویت بعدی قرار دارند. از نظر دانشجویان پسر نیز بزرگ تر بودن فضای فیزیکی دانشگاه نسبت به مدرسه، با (۱۰/۷۱ درصد) بالاترین اولویت را داراست و پس از آن متغیر بودن ساعت‌های حضور در کلاس در دانشگاه بر خلاف مدرسه، و گسترده تر بودن رشته‌های دانشگاهی نسبت به رشته‌های دبیرستان در رتبه دوم قرار دارند.

۲. تغییرات حاصل در رفتارها و نگرش‌های دانشجویان

نتایج حاصل از تحلیل محتوی ۹۴ جمله در پاسخ به این پرسش، شامل ۲۴ مضمون مهم می‌باشد. مضامین اشاره شده و میزان فراوانی هر یک به شرح جدول شماره ۵ می‌باشد.

جدول ۵: مضامین مربوط به تغییرات حاصل در رفتارها و نگرشهای دانشجویان

| ردیف | مضامین | فراوانی در پاسخهای دختران | درصد | فراوانی در پاسخهای پسران | درصد | فراوانی (مجموع) | درصد |
|------|---|---------------------------|-------|--------------------------|-------|-----------------|-------|
| ۱ | قرار گرفتن در گستره وسیعتری از تعاملات اجتماعی (اجتماعی تر شدن) | ۳۱ | ۱۸/۹۰ | ۱۲ | ۱۶/۶۷ | ۴۳ | ۱۸/۲۲ |
| ۲ | آشنایی با سایر قوم ها ، فرهنگ ها و سلاقی | ۱۵ | ۹/۱۵ | ۱۳ | ۱۸/۰۶ | ۲۸ | ۱۱/۸۶ |
| ۳ | دقت بیشتر به مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و جهان | ۱۷ | ۱۰/۳۷ | ۶ | ۸/۳۳ | ۲۳ | ۹/۷۴ |
| ۴ | احساس استقلال بیشتر و اتکای کمتر به خانواده | ۱۴ | ۸/۵۴ | ۴ | ۵/۵۶ | ۱۸ | ۷/۶۳ |
| ۵ | تصمیم گیری و بروز رفتارهای منطقی تر و خلاقانه تر | ۹ | ۵/۴۹ | ۶ | ۸/۳۳ | ۱۵ | ۶/۳۵ |
| ۶ | پیدا کردن دید عمیق تر به مسایل زندگی | ۹ | ۵/۴۹ | ۲ | ۲/۷۸ | ۱۱ | ۴/۶۹ |
| ۷ | برقراری راحت تر ارتباط با جنس مخالف | ۹ | ۵/۴۹ | ۱ | ۱/۳۹ | ۱۰ | ۴/۲۴ |
| ۸ | توجه بیشتر به ظاهر و نوع پوشش | ۵ | ۳/۰۵ | ۴ | ۵/۵۶ | ۹ | ۳/۸۱ |
| ۹ | افزایش اعتماد به نفس و قوی تر شدن اراده | ۳ | ۱/۸۳ | ۶ | ۸/۳۳ | ۹ | ۳/۸۱ |
| ۱۰ | افزایش سطح سازگاری با افراد و عقاید گوناگون | ۶ | ۳/۶۶ | ۳ | ۴/۱۷ | ۹ | ۳/۸۱ |
| ۱۱ | پایبندی بیشتر به اعتقادات دینی و مذهبی | ۷ | ۴/۲۷ | ۱ | ۱/۳۹ | ۸ | ۳/۳۹ |
| ۱۲ | استقلال فکری | ۳ | ۱/۸۳ | ۳ | ۴/۱۷ | ۶ | ۲/۵۴ |
| ۱۳ | منتقد تر شدن | ۶ | ۳/۶۶ | - | - | ۶ | ۲/۵۴ |
| ۱۴ | افزایش قدرت بیان در جمع و بحث‌های گروهی در دانشگاه | ۵ | ۳/۰۵ | ۱ | ۱/۳۹ | ۶ | ۲/۵۴ |

تغییر در رفتارها و نگرش ها

ادامه‌ی جدول ۵: مضامین مربوط به تغییرات حاصل در رفتارها و نگرش‌های دانشجویان

| ردیف | مضامین | فراوانی درپاسخ‌های دختران | درصد | فراوانی درپاسخ‌های پسران | درصد | فراوانی (مجموع) | درصد |
|------|---|---------------------------|------|--------------------------|------|-----------------|------|
| ۱۵ | آینده‌نگری و برنامه‌ریزی برای آن | ۵ | ۳/۰۵ | ۱ | ۱/۳۹ | ۶ | ۲/۵۴ |
| ۱۶ | هویت‌یابی | ۵ | ۳/۰۵ | ۱ | ۱/۳۹ | ۶ | ۲/۵۴ |
| ۱۷ | دوگانگی ارزشی و تعارض با سنت‌ها و قوانین سایر افراد | ۵ | ۳/۰۵ | - | - | ۵ | ۲/۱۲ |
| ۱۸ | صرفه‌جویی مالی و اقتصادی | ۳ | ۱/۸۳ | ۱ | ۱/۳۹ | ۴ | ۱/۶۹ |
| ۱۹ | مشارکت و تعاون بیشتر در انجام کارها با دیگران | ۱ | ۰/۶۱ | ۲ | ۲/۷۸ | ۳ | ۱/۲۷ |
| ۲۰ | اعتماد کردن به دیگران (به خصوص در محیط خوابگاه) | ۲ | ۱/۲۲ | ۱ | ۱/۳۹ | ۳ | ۱/۲۷ |
| ۲۱ | مسئولیت‌پذیری بیشتر | ۲ | ۱/۲۲ | ۱ | ۱/۳۹ | ۳ | ۱/۲۷ |
| ۲۲ | احساس تنهایی، افسردگی و آشفتگی ذهنی | - | - | ۲ | ۲/۷۸ | ۲ | ۰/۸۵ |
| ۲۳ | احساس بزرگی کردن | ۱ | ۰/۶۱ | ۱ | ۱/۳۹ | ۲ | ۰/۸۵ |
| ۲۴ | فاصله گرفتن عقاید (دانشجو) از عقاید خانواده | ۱ | ۰/۶۱ | - | - | ۱ | ۰/۴۲ |
| | مجموع | ۱۶۴ | ۱۰۰ | ۷۲ | ۱۰۰ | ۲۳۶ | ۱۰۰ |

تغییر در رفتارها و نگرش‌ها

با در نظر گرفتن درجه آزادی ۲۳ و ۹۹ درصد اطمینان، سطح معناداری صفر و میزان آماره آزمون خی دو معادل ۲۲۱/۲۲ به دست آمده است که بیانگر وجود تفاوت معناداری میان ۲۴ مضمون مطرح شده برای مضامین مربوط به تغییرات حاصل در رفتارها و نگرش‌های دانشجویان است. براساس نتایج حاصل قرار گرفتن در گستره وسیع‌تری از تعاملات اجتماعی، با (۱۸/۹۰ درصد) و دقت بیشتر به مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و جهان (با ۱۰/۳۷ درصد) از دیدگاه دانشجویان دختر به ترتیب دو مولفه اول و دوم می‌باشند و پس از آنها آشنایی با سایر قوم‌ها، فرهنگ‌ها و سلايق، با (۹/۱۵ درصد) در رتبه سوم؛ احساس استقلال بیشتر و اتکای کمتر به خانواده، با (۸/۵۴ درصد) در رتبه چهارم، و تصمیم‌گیری و بروز رفتارهای منطقی‌تر و خلاقانه‌تر، پیدا کردن دید عمیق‌تر به مسایل زندگی و برقراری

راحت تر ارتباط با جنس مخالف، با (۵/۴۹ درصد) در رتبه پنجم قرار دارند. از نظر دانشجویان پسر نیز آشنایی با سایر قوم ها ، فرهنگ ها و سلاقی، با (۱۸/۰۶ درصد) در مقام نخست قرار گرفته است. قرار گرفتن در گستره ی وسیع تری از تعاملات اجتماعی، با (۱۶/۶۷ درصد) در اولویت دوم؛ مولفه‌های دقت بیشتر به مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و جهان، تصمیم گیری و بروز رفتارهای منطقی تر و خلاقانه تر و افزایش اعتماد به نفس و قوی تر شدن اراده، با (۸/۳۳ درصد) در رتبه سوم؛ احساس استقلال بیشتر و اتکای کمتر به خانواده و توجه بیشتر به ظاهر و نوع پوشش در رتبه چهارم و افزایش سطح سازگاری با افراد و عقاید گوناگون، و استقلال فکری در رتبه پنجم قرار دارند.

۳. جذابیت های زندگی دانشجویی

نتایج حاصل از تحلیل محتوی ۴۵ پاسخ داده شده به این پرسش ، شامل ۱۹ مضمون مهم می باشد. مضامین اشاره شده و میزان فراوانی هر یک به شرح جدول شماره ۶ می باشد.

جدول ۶: مضامین مربوط به جذابیت های زندگی دانشجویی

| رتبه | مضامین | فراوانی در پرسشهای دختران | درصد | فراوانی در پرسشهای پسران | درصد | فراوانی (مجموع) | درصد |
|------|--|---------------------------|-------|--------------------------|------|-----------------|-------|
| ۱ | احساس استقلال و آزادی عمل بیشتر | ۲۷ | ۲۷/۲۷ | ۱۵ | ۳۷/۵ | ۴۲ | ۳۰/۲۲ |
| ۲ | آشنایی و سازگاری با افراد با دیدگاه ها و آداب و رسوم، فرهنگ ها و عقاید گوناگون | ۱۴ | ۱۴/۱۴ | ۴ | ۱۰ | ۱۸ | ۱۲/۹۵ |
| ۳ | اجتماعی شدن و تعامل با افراد بیشتر | ۱۱ | ۱۱/۱۱ | ۴ | ۱۰ | ۱۵ | ۱۰/۷۹ |
| ۴ | یادگیری مدیریت هزینه های زندگی و صرفه جویی | ۶ | ۶/۰۶ | ۳ | ۷/۵ | ۹ | ۶/۴۷ |
| ۵ | تجربه زندگی با همسالان و خوش گذرانی های ناشی از آن | ۷ | ۷/۰۷ | - | - | ۷ | ۵/۰۳ |
| ۶ | مشارکت در آموزش و انجام کارهای پژوهشی | ۵ | ۵/۰۵ | ۲ | ۵ | ۷ | ۵/۰۳ |

ادامه‌ی ۶: مضامین مربوط به جذابیت‌های زندگی دانشجویی

| ردیف | مضامین | فراوانی دریاستخ‌های دختران | درصد | فراوانی دریاستخ‌های پسران | درصد | فراوانی (مجموع) | درصد |
|------|---|----------------------------|------|---------------------------|------|-----------------|------|
| ۷ | مسئولیت پذیر شدن | ۷ | ۷/۰۷ | - | - | ۷ | ۵/۰۳ |
| ۸ | افزایش قدرت سازگاری با دیگران و انعطاف پذیری | ۲ | ۲/۰۲ | ۴ | ۷/۵ | ۵ | ۳/۵۹ |
| ۹ | امکان شرکت در برنامه‌های غیر درسی (فوق برنامه) | ۴ | ۴/۰۴ | ۱ | ۲/۵ | ۵ | ۳/۵۶ |
| ۱۰ | یافتن دوستان و آشنایان جدید | ۳ | ۳/۰۳ | ۱ | ۲/۵ | ۴ | ۲/۸۸ |
| ۱۱ | یادگیری سبک زندگی مشارکت پذیر و مبتنی بر اعتماد و احترام متقابل | ۲ | ۲/۰۲ | ۲ | ۵ | ۴ | ۲/۸۸ |
| ۱۲ | آینده نگری و برنامه ریزی برای آینده | ۲ | ۲/۰۲ | ۱ | ۲/۵ | ۳ | ۲/۱۶ |
| ۱۳ | آشنایی و شناخت بهتر جنس مخالف به علت اجازه معاشرت | ۲ | ۲/۰۲ | ۱ | ۲/۵ | ۳ | ۲/۱۶ |
| ۱۴ | افزایش اعتماد به نفس | ۲ | ۲/۰۲ | ۱ | ۲/۵ | ۳ | ۲/۱۶ |
| ۱۵ | احساس بزرگی کردن | ۲ | ۲/۰۲ | - | - | ۲ | ۱/۴۴ |
| ۱۶ | افزایش شرکت در بحث‌های گروهی | ۲ | ۲/۰۲ | - | - | ۲ | ۱/۴۴ |
| ۱۷ | یادگیری شیوه زندگی در شهر جدید | - | - | ۱ | ۲/۵ | ۱ | ۰/۷۲ |
| ۱۸ | برخورداری از احترام بیشتر در اجتماع | ۱ | ۱/۰۱ | - | - | ۱ | ۰/۷۲ |
| ۱۹ | درگیری با مسایل عاطفی و عاشقانه | - | - | ۱ | ۲/۵ | ۱ | ۰/۷۲ |
| ۲۰ | مجموع | ۹۹ | ۱۰۰ | ۴۰ | ۱۰۰ | ۱۳۹ | ۱۰۰ |

جذابیت‌ها

با در نظر گرفتن درجه آزادی ۱۸ و ۹۹ درصد اطمینان، سطح معناداری برابر صفر، میزان آماره آزمون خی دو معادل ۲۲۴/۷۳ به دست آمده است که بیانگر وجود تفاوت معناداری میان ۱۹ مضمون مطرح شده مربوط به جذابیت‌های زندگی دانشجویی است. مقایسه درصد

فراوانی پاسخ های ارائه شده توسط دانشجویان دختر نشان می دهد که احساس استقلال و آزادی عمل بیشتر، با (۲۷/۲۷ درصد) بالاترین اولویت را در میان شاخص های مطرح شده برای مضامین مربوط به جذابیت های زندگی دانشجویی دارد و در ادامه آشنایی و سازگاری با افراد با دیدگاه ها، آداب و رسوم، فرهنگ ها و عقاید گوناگون، با (۱۴/۱۴ درصد) در رتبه دوم؛ اجتماعی شدن و تعامل با افراد بیشتر، با (۱۱/۱۱ درصد) در رتبه سوم؛ تجربه زندگی با همسالان و خوش گذرانی های ناشی از آن و مسئولیت پذیر شدن، با (۷/۰۷ درصد) در رتبه چهارم و یادگیری مدیریت هزینه های زندگی و صرفه جویی، با (۶/۰۶ درصد) در رتبه پنجم قرار دارند. البته این در حالی است که از دید دانشجویان پسر احساس استقلال و آزادی عمل بیشتر، با (۳۷/۵ درصد) در اولویت نخست؛ آشنایی و سازگاری با افراد با دیدگاه ها، آداب و رسوم، فرهنگ ها و عقاید گوناگون و اجتماعی شدن و تعامل با افراد بیشتر، با (۱۰ درصد) در رتبه دوم؛ یادگیری مدیریت هزینه های زندگی و صرفه جویی و افزایش قدرت سازگاری با دیگران و انعطاف پذیری، با (۷/۵ درصد) در رتبه سوم؛ مشارکت در آموزش و انجام کارهای پژوهشی، و یادگیری سبک زندگی مشارکت پذیر و مبتنی بر اعتماد و احترام متقابل، با (۵ درصد) در رتبه چهارم؛ و امکان شرکت در برنامه های غیر درسی، یافتن دوستان و آشنایان جدید، آینده نگری و برنامه ریزی برای آینده، آشنایی و شناخت بهتر جنس مخالف به علت اجازه معاشرت، افزایش اعتماد به نفس، یادگیری شیوه زندگی در شهر جدید و درگیری با مسایل عاطفی و عاشقانه در پایین ترین مرتبه قرار دارند.

۴. آسیب های زندگی دانشجویی

نتایج حاصل از تحلیل محتوی ۴۰ پاسخ داده شده به این پرسش، شامل ۲۴ مضمون مهم می باشد. مضامین اشاره شده و میزان فراوانی هر یک به شرح جدول شماره ۷ می باشد.

جدول ۷: مضامین مربوط به آسیب های زندگی دانشجویی

| درصد | فراوانی (مجموع) | درصد | فراوانی در پاسخهای پسران | درصد | فراوانی در پاسخهای دختران | مضامین | ردیف | آسیب ها |
|-------|-----------------|-------|--------------------------|-------|---------------------------|--|------|---------|
| ۲۰/۶۲ | ۱۹ | ۲۹/۱۷ | ۷ | ۱۷/۶۵ | ۱۲ | مشکلات عاطفی و افسردگی ناشی از دوری خانواده | ۱ | |
| ۱۶/۳۰ | ۱۵ | ۱۲/۵ | ۳ | ۱۷/۶۵ | ۱۲ | کشیده شدن به انحرافات اخلاقی و بروز رفتارهای ناهنجار | ۲ | |

ادامه‌ی جدول ۷: مضامین مربوط به آسیب‌های زندگی دانشجویی

| ردیف | مضامین | فراوانی در پاسخهای دختران | درصد | فراوانی در پاسخهای پسران | درصد | فراوانی (مجموع) | درصد |
|------|---|---------------------------|------|--------------------------|-------|-----------------|------|
| ۳ | گرایش به مصرف مواد مخدر، دخانیات و الکل (به خصوص در خوابگاه‌ها) | ۴ | ۵/۸۸ | ۵ | ۲۰/۸۳ | ۹ | ۹/۷۸ |
| ۴ | روابط نامناسب با جنس مخالف | ۵ | ۷/۳۵ | ۲ | ۸/۳۳ | ۷ | ۷/۶۱ |
| ۵ | تامین هزینه‌های مالی و صرفه‌جویی | ۶ | ۸/۸۲ | ۱ | ۴/۱۷ | ۷ | ۷/۶۱ |
| ۶ | مشکلات زندگی در خوابگاه‌ها | ۴ | ۵/۸۸ | - | - | ۴ | ۴/۳۵ |
| ۷ | تعارض‌های فرهنگی و اعتقادی در محیط دانشگاه و خوابگاه‌ها | ۳ | ۴/۴۱ | - | - | ۳ | ۳/۲۶ |
| ۸ | توجه کمتر به درس خواندن | ۳ | ۴/۴۱ | - | - | ۳ | ۳/۲۶ |
| ۹ | عدم سازگاری بین دانشجویان در خوابگاه‌ها | ۳ | ۴/۴۱ | - | - | ۳ | ۳/۲۶ |
| ۱۰ | پنهان‌کاری از والدین | ۳ | ۴/۴۱ | - | - | ۳ | ۳/۲۶ |
| ۱۱ | درگیر شدن با مسایل عاطفی و احساسی | ۲ | ۲/۹۴ | - | - | ۲ | ۲/۱۷ |
| ۱۲ | نگرانی از وضعیت شغلی و آینده | ۱ | ۱/۴۷ | ۱ | ۴/۱۷ | ۲ | ۲/۱۷ |
| ۱۳ | فراموش کردن ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی | ۲ | ۲/۹۴ | - | - | ۲ | ۲/۱۷ |
| ۱۴ | رفت و آمد از دانشگاه به مدرسه | ۱ | ۱/۴۷ | ۱ | ۴/۱۷ | ۲ | ۲/۱۷ |
| ۱۵ | عدم وجود آموزش‌های لازم برای زندگی با همسالان | ۱ | ۱/۴۷ | ۱ | ۴/۱۷ | ۲ | ۲/۱۷ |
| ۱۶ | به تاخیر افتادن تشکیل زندگی و ازدواج به خصوص برای دانشجویان پسر | ۱ | ۱/۴۷ | - | - | ۱ | ۱/۰۹ |
| ۱۷ | سست شدن اعتقادات مذهبی افراد | - | - | ۱ | ۴/۱۷ | ۱ | ۱/۰۹ |
| ۱۸ | تغییر در پوشش و ظاهر | ۱ | ۱/۴۷ | - | - | ۱ | ۱/۰۹ |
| ۱۹ | مشکلات زندگی در شهر جدید | - | - | ۱ | ۴/۱۷ | ۱ | ۱/۰۹ |

آسیب‌ها

ادامه‌ی جدول ۷: مضامین مربوط به آسیب‌های زندگی دانشجویی

| ردیف | مضامین | دختران | پسران | درصد | فرآوانی (مجموع) | درصد | درصد |
|------|--|--------|-------|------|-----------------|------|------|
| ۱۹ | مشکلات زندگی در شهر جدید | - | ۱ | - | ۱ | ۴/۱۷ | ۱/۰۹ |
| ۲۰ | جدایی از دوستان دوران مدرسه | - | ۱ | - | ۱ | ۴/۱۷ | ۱/۰۹ |
| ۲۱ | عدم تمایل برای کمک خواستن از دیگران و تمایل زیاد به مستقل بودن | ۱ | - | ۱/۴۷ | ۱ | - | ۱/۰۹ |
| ۲۲ | اتلاف وقت در زندگی با همسالان | ۱ | - | ۱/۴۷ | ۱ | - | ۱/۰۹ |
| ۲۳ | مدرک گرایی | ۱ | - | ۱/۴۷ | ۱ | - | ۱/۰۹ |
| ۲۴ | عدم تدریس صحیح در دانشگاه‌ها | ۱ | - | ۱/۴۷ | ۱ | - | ۱/۰۹ |
| | مجموع | ۶۸ | ۲۴ | ۱۰۰ | ۹۲ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

با در نظر گرفتن درجه آزادی ۲۳ و ۹۹ درصد اطمینان، سطح معناداری برابر صفر و میزان آماره آزمون خی دو معادل ۱۲۸/۶۹ به دست آمده است که بیانگر وجود تفاوت معناداری میان ۲۴ مضمون مطرح شده برای مضامین مربوط به آسیب‌های زندگی دانشجویی است. براساس نتایج حاصل از دیدگاه دانشجویان دختر مشکلات عاطفی و افسردگی ناشی از دوری خانواده و کشیده شدن به انحرافات اخلاقی و بروز رفتارهای ناهنجار، با (۱۷/۶۵ درصد) بالاترین رتبه را دار است و پس از آن تامین هزینه‌های مالی و صرفه جویی، با (۸/۸۲ درصد) در رتبه دوم؛ روابط نامناسب با جنس مخالف، با (۷/۳۵ درصد) در رتبه سوم؛ گرایش به مصرف مواد مخدر، دخانیات و الکل (به خصوص در خوابگاه‌ها) و مشکلات زندگی در خوابگاه‌ها، با (۵/۸۸ درصد) در رتبه چهارم و مولفه‌های تعارض‌های فرهنگی و اعتقادی در محیط دانشگاه و خوابگاه‌ها، توجه کمتر به درس خواندن، عدم سازگاری بین دانشجویان در خوابگاه‌ها و پنهان کاری از والدین، با (۴/۴۱ درصد) در رتبه پنجم قرار دارند. در مقابل از نظر دانشجویان پسر مشکلات عاطفی و افسردگی ناشی از دوری خانواده، با (۲۹/۱۷ درصد) جایگاه نخست؛ گرایش به مصرف مواد مخدر، دخانیات و الکل، با (۲۰/۸۳ درصد) رتبه دوم؛ کشیده شدن به انحرافات اخلاقی و بروز رفتارهای ناهنجار، با (۱۲/۵ درصد) رتبه سوم؛ روابط نامناسب با جنس مخالف، با (۸/۳۳ درصد) رتبه چهارم؛ و تامین هزینه‌های مالی و صرفه جویی، نگرانی از وضعیت شغلی و آینده،

رفت و آمد از دانشگاه به مدرسه، عدم وجود آموزش‌های لازم برای زندگی با همسالان، سست شدن اعتقادات مذهبی افراد، مشکلات زندگی در شهر جدید و جدایی از دوستان دوران مدرسه، با (۴/۱۷ درصد) در رتبه آخر قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

درک تمایزات محیط دانشگاهی نسبت به مدرسه در بین دانشجویان کارشناسی که هنوز فاصله زیادی با محیط مدرسه نگرفته‌اند و امکان داوری و قضاوت وجود دارد؛ معرف فهم و ادراک آنان از موقعیت و جایگاه دانشگاه و بازنماینده‌ی سازمان شناخت آنان از زندگی دانشجویی است. از این رو نخست تفاوت‌های بین مدرسه و دانشگاه مورد پرسش قرار گرفت. در این بخش انتظار می‌رفت مضامین علمی و آموزشی در صدر فراوانی‌ها قرار گیرد. مضامینی که معرف کنش آکادمیک، آزادی علمی، روابط با استادان و دانشمندان و پژوهشگران، روحیه پرسشگری و نقد، دانش و مهارت (سرمایه فرهنگی) باشد. اما در مرتبه نخست مضامین اجتماعی و فرهنگی با ۵۶/۲۳ درصد قرار گرفت و مضامین علمی و آموزشی در مرتبه دوم با فاصله نسبتاً زیادی مورد توجه دانشجویان پاسخگو قرار گرفته است. در ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز موضوع «ارتباط و معاشرت با جنس مخالف» به عنوان وجه تمایز دانشگاه با مدرسه در صدر مضامین قرار دارد. در این جهت اولویت‌های دختران و پسران یکسان است.

در مورد تغییرات حاصل در رفتارها و نگرش‌های دانشجویان نیز مضامین فرهنگی و اجتماعی در صدر قرار گرفته‌اند مانند اجتماعی‌تر شدن، آشنایی با سایر اقوام و فرهنگها و ... اما مضامین مرتبط با فضای آکادمیک و هویت آکادمیک در رتبه‌های پایین قرار دارند برای نمونه: استقلال فکری (رتبه دوازدهم)، منتقدتر شدن (رتبه سیزدهم)، آینده‌نگری و برنامه‌ریزی برای آن (رتبه پانزدهم).

در مورد جذابیت‌های زندگی دانشجویی یافته‌ها مشابه بوده و اولویت با مضامین اجتماعی و فرهنگی چون احساس استقلال و آزادی عمل بیشتر و آشنایی و سازگاری با افراد و دیدگاه‌ها و آداب و رسوم و عقاید گوناگون و تعامل با افراد بیشتر می‌باشد. این موارد از اختصاصات محیط‌های علمی نیست و چنین تغییرات و جذابیت‌هایی در خارج از محیط آکادمی نیز می‌تواند فراهم شود. در پاسخ‌های مربوط به پرسش چهارم نیز دانشجویان به مواردی چون مشکلات عاطفی و افسردگی ناشی از دوری از خانواده، انحرافات اخلاقی و مصرف مواد مخدر اشاره کرده‌اند که بیشتر با خرده فرهنگ جوانان مرتبط است تا خرده فرهنگ دانشگاهی. این موارد عمدتاً

با فضاهای غیررسمی درون دانشگاه و خوابگاهها مرتبط است تا فضاها و ارزش ها و هنجارهای رسمی در درون دانشگاه.

در این مطالعه رکن اصلی پژوهش این بود که مشخص شود از دیدگاه دانشجویان آیا دانشگاه مکانی متمایز است؟ به هر حال کنش‌های دانشجویی در پردیس اتفاق می‌افتد. لذا باید بررسی کرد که آیا پردیس (در دانشگاه مورد مطالعه) یک فضای کنش عقلانی و علمی است؟ به بیان دیگر هم صدا با موریس کوگان باید ببینیم دانشجویان چه تصویری از اجتماع خود دارند؟

توقع داشتیم که دانشجویان به ویژگی‌هایی از محیط دانشگاهی اشاره کنند که به نوعی هرچند کم، معرف ساختار فکری ویژه، سنت‌ها، اسطوره‌ها، ارزش‌ها و عادات و دستاوردهای خاص آکادمیک باشند؛ نهادی که دانشجو عضوی از آن است. پردیس به عنوان مجموعه‌ای از زیست فکری و هنجارهای علم براساس فضایی که این مضامین بازنمایی می‌کنند جای خود را به سکونتگاه و محل تجمع جوانان داده است که این امر محصول توده‌ای شدن آموزش عالی در سالهای اخیر است. در دانشگاه توده‌ای، دیگر جستجو برای یک اجتماع علمی متمایز و همگن به افسانه شبیه است.

اجتماع دانشجویی مورد مطالعه را نمی‌توان با مختصات یک اجتماع همگن با دغدغه‌های مشترک وفق داد. در بخش دانشجویی مفهوم گروه دوستی و یا در بخش استادان رقابت‌های بین فردی در یک فعالیت معین (تدریس، پژوهش) معرف یک اجتماع علمی نیست. از این حیث یافته‌های این مطالعه با نظریه کوگان (۱۳۸۶) در مورد توهم آمیز بودن اجتماع همگن در دانشگاه منطبق است.

همان گونه که می‌دانیم جامعه‌شناسی علم، عمدتاً به مقوله سازوکار تولید و رشد علم و سازمان اجتماعی می‌پردازد و مطالعات فرهنگی علم به موضوع مصرف علم و کنش‌های معناداری که در این ارتباط رخ می‌دهد توجه می‌کند. اما فضای کلی متن‌ها نشان می‌دهد این دانشجویان کنشگر عرصه‌های تولید و مصرف علم نیستند. پس باید با رویکرد جامعه‌شناسی جوانان مورد مطالعه قرار گیرند. در مجموع با تمرکز بیشتر بر مضامین موجود و ساختار و پراکندگی و بسامد آنها؛ همچنین عطف توجه به مؤلفه‌هایی از زندگی دانشجویی و دانشگاهی که علی‌القاعده می‌بایست مورد توجه دانشجویان قرار گیرد، موارد زیر براساس ساختار کلی یافته‌ها شایسته توجه است.

نمادها و جملات و مضامینی که معرف مصرف فرهنگی (سرمایه فرهنگی والا) متناسب با محیط دانشگاه باشد اندک است. همچنین آرمان خواهی و عدالت طلبی و تحول خواهی که

خصیصه‌ی زندگی دانشجویی است در این مضامین برجسته نیست. مسأله‌ها و چالش‌ها رنگ و بوی فکری ندارد بلکه مرتبط با سبک زندگی است. مسأله دانشجویان آزادی آکادمیک نیست بلکه از نظر آنها آزادی مدنی (مانند رابطه با جنس مخالف) مهم‌تر است. در این متن‌ها سخنی از آیین‌های دانشگاهی نیست. هم‌چنین در این متن‌ها خبری از افراد ذینفع آکادمیک و partner ها نیست. فضای دانشگاه و دغدغه دانشجویان بیش از پیش غیر ایدئولوژیک شده است و گرایش به برداشت سیاسی مشاهده نمی‌شود. ارزش‌های سیاسی اصولاً مفقودند. در این متون و پاسخ‌ها صحبتی از انجمن‌ها و گروه‌ها و احزاب و فعالیت جمعی نیست.

گروه مرجعی وجود ندارد و فردیت حاکم است. پاسخگویان حتی دغدغه صنفی ندارند. آنچه مهم و برجسته است هویت سبک زندگی و هویت جنسیتی است. هویت سیاسی و قومی و فکری در این متون کم رنگ است. در بین دانشجویان تمایل برای ایجاد فضاهای غیررسمی مستقل هم مشاهده نمی‌شود. آنان بیشتر به یک گروه تماشاچی و منفعل شبیه‌اند. این انفعال نشان می‌دهد پس از دو سال اقامت در دانشگاه کلیشه‌های ذهنی دانشجویان هم‌چنان دبیرستانی است و فضای پردیس، یک محیط یادگیرنده در جهت درونی‌سازی ارزشهای آکادمیک نبوده است. این ویژگی با یافته‌های پایک و شرودر (۱۹۹۷) در مورد ضرورت تبدیل پردیس به محیط یادگیری سازگار نیست. هرچند با ایده جان ویات (۲۰۰۰) به عنوان عرصه‌ای برای «نوجوانی دیر رس» منطبق است. یافته‌ها با نظریه چن وتیان (۲۰۱۲) که دانشگاه را محلی برای نزدیک شدن به فرهنگهای نامتجانس و مبنایی برای ایجاد یک فرهنگ نو می‌داند، هم‌چنین با ایده توهم آمیز دانستن اجتماع دانشگاهی که توسط کوگان (۱۳۸۶) بیان شد، انطباق دارد.

مضامین ذکر شده توسط پاسخگویان بیش از همه با الگوی چیکرنیک (بوروکابال، ۱۹۹۳) همخوانی دارد. آنجا که وی کنترل احساسات، توسعه توانایی، توسعه استقلال، آزادی روابط دو طرفه، کسب هویت و ... را به عنوان بردارهای رشد و کمال دانشجو بیان می‌کند. هرچند بخش‌هایی از الگوی وی مانند هدف مداری و کسب هماهنگی درونی توسط دانشجویان پاسخگو کمتر مورد توجه بوده است. یافته‌ها همچنین با مؤلفه‌های بیان شده توسط رفیع‌پور (۱۳۸۱) به ویژه مواردی چون تضاد، رفتار احساسی، خودنمایی و فردگرایی مشابهت دارد. در عین حال سنخینی با ده ویژگی مطرح شده توسط ابراهیمی (۱۳۹۲) ندارند.

پیشنهاد

زندگی دانشجویی، نوعی آماده شدن برای زندگی حرفه‌ای، همراه با فرصتهایی برای کشف، کاوش و بلوغ فکری است. این مرحله نقطه آغازی برای شکل‌گیری فرهنگ آکادمیک است.

اینکه چرا در نهاد دانشگاه ایرانی و زندگی دانشجویی منبعث از آن، این فرهنگ حضور ندارد محل تأمل است. دلیل آن می‌تواند این باشد، که این فرهنگ از سوی استادان به دانشجویان منتقل نمی‌شود. پس یکی از راه‌حل‌ها می‌تواند ایفای نقش مؤثرتر استادان در ایجاد فضاهای یاددهی-یادگیری، انتقال هنجارهای علمی و توسعه تعامل با دانشجویان باشد. در این راستا الگوی آکسبریجی (آکسفورد- کمبریج) که بر جامعه‌پذیری علمی و اقامت در پردیس و فرهیختگی و رشد شخصیت دانشجویان تأکید زیادی دارند می‌تواند راهنمای عمل خوبی باشد. در این الگو، فعالیتهای فوق برنامه در تکوین و تکمیل شخصیت و سلوک علمی و اخلاقی دانشجویان نقش آفرین است. در کنار آن به نظر می‌رسد دانشجویان کارشناسی هنوز نیازمند حمایت بیشتر خانوادگی و اجتماعی هستند. در این جهت ساختار بروکراتیک دانشگاه که به مسائل جوانان دانشجویی بی‌اعتناست بحث برانگیز و نیازمند تجدید ساختار است. تقویت همه‌جانبه مقوله «مشاوره دانشجویی» و اصلاح فضاهای خوابگاهی در جهت تبدیل شدن به محیط‌های یادگیری نیز می‌تواند اقدامی مؤثر برای ارتقای کیفی زندگی دانشجویی تلقی شود.

منابع

۱. ابراهیمی. روناک. (۱۳۹۲). نقش فرهنگ دانشگاهی بر دانش آفرینی از دیدگاه صاحب نظران نظام آموزش عالی (پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه الزهراء).
۲. امین اسماعیلی، حمید و خلیلی، اسماعیل. (۱۳۸۱). آسیب شناسی فرهنگی دانشگاه‌های ایران. تهران: دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
۳. ایلچ، ایوان. (۱۳۸۷). مدرسه زدایی از جامعه. ترجمه الهه ضرغام. تهران: انتشارات رشد.
۴. بقایی سرابی، علی و اسماعیلی، محمدجواد. (۱۳۸۸). عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت دانشگاهی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ۳ (۴)، ۲۰۳-۱۷۵.
۵. بوررو کبال، آلفونسو. (۱۳۸۷). دانشگاه سازمانی امروزی. ترجمه غلامعلی توسلی و رضا فاضلی. تهران: نشر علم.
۶. دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم. (۱۳۸۰). علت‌یابی و بررسی مسائل فرهنگی دانشگاهها. تهران: وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
۷. رجب‌زاده، احمد. (۱۳۸۱). دانشگاه و دین در ایران. تهران: دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
۸. رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۱). موانع رشد علمی ایران و راه‌حل‌های آن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۹. سراج‌زاده، حسین و جواهری، فاطمه. (۱۳۸۲). نگرش‌ها و رفتار دانشجویان: خلاصه یک پژوهش پیمایشی. تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم.
۱۰. سریع‌القلم، محمود. (۱۳۷۵). توسعه، جهان سوم و نظام بین‌الملل. تهران: نشر سفیر.
۱۱. سلیمانیان، علی اکبر، درودی، حمید و گل پیچ، زینب. (۱۳۹۲). پیش‌بینی رشد شغلی براساس سبک‌های هویت در دانشجویان مراکز آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، (۶۸)، ۱۶۱-۱۷۵.
۱۲. شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سمت.
۱۳. صفایی موحد، سعید و عطاران، محمد. (۱۳۸۹). واکاوی هنجارهای موثر بر انتخاب استاد راهنما در حوزه‌های محض (علوم ریاضی) و میان رشته‌ای (علوم تربیتی): مطالعه‌ای پدیدار شناختی. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۴، ۳۷-۹.
۱۴. فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۷). فرهنگ و دانشگاه. تهران: نشر ثالث.

۱۵. فکوهی، ناصر. (۱۳۹۲). نشست بررسی اندیشه‌های پیر بوردیو از دولت رفاه تا اشرافیت دولتی. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۱۶. قلی‌پور، آرین، محمد اسماعیلی، ندا و قلی‌پور. فتانه. (۱۳۸۹) مدیریت هویت: شناسایی راهکارهای تقویت هویت اجتماعی زنان در نهادهای آموزشی. فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۸(۴)، ۱۴۰-۱۲۱.
۱۷. کوگان، موریس. (۱۳۸۶). *اجتماعات آموزش عالی و هویت دانشگاهی: دانشگاه و اجتماعات علمی آن*. ویراستار ایان مک‌نی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۸. مهرام، بهروز، ساکتی، پرویز و لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۴). بررسی تحولات نگرش هویتی در دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۲۱، ۸۰-۶۵.
۱۹. منادی، مرتضی. (۱۳۸۶). سرمایه‌های فرهنگی و فضاهای فرهنگی خانواده‌ها. فصلنامه *خانواده و پژوهش*، ۱(۱)، ۳۵-۱۵.
۲۰. منادی، مرتضی. (۱۳۹۱). پرونده پیر بوردیو در سایت انسان‌شناسی و فرهنگ: <http://anthropology.ir/node/168868>
۲۱. هولستی، آل. آر. (۱۳۸۰). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*. ترجمه دکتر نادر سالارزاده امیری. (چاپ دوم) تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۲. ویات، جان. (۱۳۸۶). *روح مقاوم، میانی رمانتیک ایده اجتماعات دانشگاهی در کتاب: دانشگاه و اجتماعات علمی آن*، ویراستار ایان مک‌نی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
23. Pike, Gary & Schroeder Charles, Berry. Thomas. (1997). Enhancing the education impact of residential halls: the relationship between residential learning communities and first year college experiences and persistence. *Journal of college student Development*, 38 (6), 609-21 .
24. Niharika Doble and M.V. Supriya. (2011). Student life balance: myth or reality? *International Journal of Educational Management*, 25 (3), 237-251.
25. Merton, Robert K. (1973) [1942], "The Normative Structure of Science", in Merton, Robert K., *The Sociology of Science: Theoretical and Empirical Investigations*, Chicago: University of Chicago Press
26. Xi Shen & Xianghong Tian. (2012). Academic Culture and Campus Culture of Universities, *Higher Education Studies*, 2 (2), 61-65.

27. Zafer Kiraz(2014)Investigating the university students problems faced in university life :A sample of Turkey ,procedia social and behavioral sciences, 116, 4905-4909.